

نوید

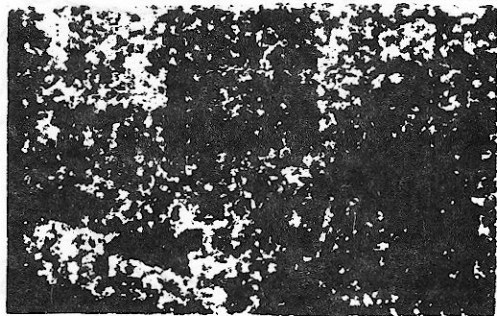
(وابسته به حزب سوده) - شماره ۱۶ - چهارشنبه ۵ بهمن ۱۳۳۱

شاه میهن ما را
بسوی باطلاق
تازه ای میکشاند

توطئه جدید شاه - کارتر و بحران شاخ آفریقا

دوره های اخیر جهان شاهد دوره ادو و هشتاد و هشت است که در عرصه سیاست داخلی و خارجی ایران بود که به بهترین و همان ماهیت در دو دسته تیگری که در چین مارکسیست افکار نشسته اند برده بر می خورد. در عرصه داخلی در زمان آریامیری اجتماع مردم را در قم می نهد با به گونه بستند و با خون ۲۷ کشته و بیشتر از ۷۰۰ مروح کوه ها و خیابانها را زنگنه و آنگاه در اکثر شهرها با چاقی و سوزنیز نظامات افغانی مردم را که از این جنایت فریب به همین آمده بودند در هفتگشته با به خاک و خون کشیدند. . . در عرصه خارجی سیاست در " شاه - سلوفاک " ایجاب پنهان و ابله و انکار تری و دستگیر اگر حقیقتها زمانه در قم باغی در همه جا سواد شد و تمهید خواب ابلهسی شاه شاهان از فضای سیاست خارجی و سیاسی از خون و رنج و آتش راه خواهد انداخت.

و اندر کم خلیج فارس، این بلر چشم به دریای سرخ دوخته است. بر گزانتسه این دریای دور دست شقی که می کشد که خواب انگل های تاجدار و لرها با این امپریالیست آنها چه جیمه کرکس های خنجر را بریشان کرده است. خلق آنتی می و حفر و هجوم گسترده در فغانستان - سرزشت تازه ای برای خود می سازد که با انقلاب و سوسیالیسم زنان را حراست می شود. از تراجیع خنجر از این شراره به لرزیده همان در بوحضرت اناندر که امپریالیست در شین های امانت های امپریالیست نه به استهتار شکست طاعتش جبهانوران در هفتدهمین ریاضت های صلح آسانی آن سر و پشته با قدرت برانزین اردوگاه سوسیالیسم - استراتژی نهجی امپریالیسم را تخمیر در او را از لشکر کشی های سنگین و در حالت های عریان باز داشتند. از این پس دولت های ارتجاعی تحت الحاکم امپریالیسم در حیطه جغرافیایی خود و همسایگان او را به همه گرفتند به صورت گس های زنجیری و در عرصه سیاست و صالح امپراتوری سرمایه در آهنگند. شاه یکی از این زائد فرم های خنجر ایوان کرترین و سر سیرده ترین گن ها بود. این کودتا می امپریالیست ها - تاج و تخت و از گن شده خود را از پادشاه بود و خلا به بر تجمیع می خود حصری که در برابر تاج پنهان با یکی داشت و خود و خانواده تاجران و ایران و انصاری بر سر تو دیکتاری گرام کیمت به صورت زنجیرین سرمایه در ایران و تاجران و انصاری گران در آمده بودند و به برتری از طبیعت طبقاتی خنجر بر برابر حرکت ترفی و مکرر گرانند که به بر خنجرهای صلح تری که گزینش های سوسیالیستی داشته و احساساتی در حیطه تری گردند با کینه خونی بر آن می کشند. ضابطه سوسیالیست ها از گزینش های در دو دسته استند از با خلق های چین با رخصت های خلق جهان چنان تمام حیل داشت - در لرد - که کشور ما می هیچ دلیل قابل توضیحی به حساب از انزوان و تنگنا جنبی در تری آرد می خنجر خلق تمام بر تاج و تاجران و تاجران نفس خود در راه رانگن به و تمام جنبی فرستاد. شاه بزرگ ترین پهلوان پنجه ای که از هیت گزینش خنجر به پادشاه و در تری آن بود تا حرکت های تاریخ ساز جهان را با بر خنجر خود تنظیم کند. در سری ای حویلی های خام که تری گزینش امپریالیست بر آن دامن می زد و همین طرا و لرد جنگ می ایران برادر کشی در عراق کرد. کفره این گاه ۱۰۰ هزار کرد آواره و داغ لایمنست خود ورده است که در لرد گاههای سلوفاکی در غرب کشور و گزینش و تاجران در حیطه ۲



شاه میهن ما را بسوی باطلاق تازه ای میکشاند

جنبش دمکراتیک ۲ بهمن

قطعه تحولی بزرگ در تاریخ خلق کرد

۱ - جنبش ۲ بهمن ۱۳۳۱ در تاریخ مبارزه و پیشرفت مردم ایران و جهان یک نقطه عطف است. این جنبش که در روزهای ۱ و ۲ بهمن ۱۳۳۱ در تهران و سایر شهرهای ایران به وقوع پیوست، نشان دهنده آگاهی و بیداری مردم ایران در برابر استبداد شاهنشاهی بود. در این روزها، مردم با شعار "استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی" در خیابانها راهپیمایی کردند و با تظاهرات گوناگون، خواسته های خود را اعلام کردند. این جنبش با شکست مواجه نشد و به یک نقطه عطف در تاریخ انقلاب ایران تبدیل شد. در ادامه، مردم با تشکیل کمیته های محلی، فعالیت های خود را گسترده کردند و با همکاری یکدیگر، مبارزه با استبداد را ادامه دادند. این جنبش همچنین باعث شد تا مردم ایران با همبستگی و اتحاد بیشتری در برابر دشمنان خود ظاهر شوند. در نهایت، این جنبش منجر به تغییرات اساسی در ساختار حکومت ایران شد و پایه های نهادهای جدید را بنا نهاد.

۲ - جنبش ۲ بهمن ۱۳۳۱ در تاریخ مبارزه و پیشرفت مردم ایران و جهان یک نقطه عطف است. این جنبش که در روزهای ۱ و ۲ بهمن ۱۳۳۱ در تهران و سایر شهرهای ایران به وقوع پیوست، نشان دهنده آگاهی و بیداری مردم ایران در برابر استبداد شاهنشاهی بود. در این روزها، مردم با شعار "استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی" در خیابانها راهپیمایی کردند و با تظاهرات گوناگون، خواسته های خود را اعلام کردند. این جنبش با شکست مواجه نشد و به یک نقطه عطف در تاریخ انقلاب ایران تبدیل شد. در ادامه، مردم با تشکیل کمیته های محلی، فعالیت های خود را گسترده کردند و با همکاری یکدیگر، مبارزه با استبداد را ادامه دادند. این جنبش همچنین باعث شد تا مردم ایران با همبستگی و اتحاد بیشتری در برابر دشمنان خود ظاهر شوند. در نهایت، این جنبش منجر به تغییرات اساسی در ساختار حکومت ایران شد و پایه های نهادهای جدید را بنا نهاد.

تاریخ مبارزه و پیشرفت مردم ایران و جهان

نوطه جدید شاه - کارنو

کار سلطنت و سگی داده شده اند. فاحشه ظلم خنود دیگری از نطفه شاه در لباس زانده لر نطفه بود. در این تزار بی سیاسی - نظامی، از نطفه تا نطفه یک لرتش زد و در سفر طکر، هواپیمای امریکای حوری حوری شاه خانه ها و پرونده های مردم نظری را که به منق آزادی طلسم سلطنت قرون وسطی طابوس و امن جرمگسرت انگیز شاه و قیام کرده بودند، با آتشیب ها و زنجاره و پونله های خود، خاکسارگر کرد و دندو ناگهای انگلیسی خوری زنی شاه و سرور و استخوان میس برستان آزاده امانیه سر ظلم و بیوری از نطفه را برافراشت. این سیاست تمایز گرانه که هیچ ربطی به خلق و اراده خلقی های ایران ندارد، یعنی تراست و در به نطفه تصرف بماند. سیاست نظامی جین آمیز و بیوری کورکورانه از اوامر امپریالیسم و تبدیل به میره ای ناچیز بی همت در عرصه شطرنج جهانی شدن و بورژوازی جز جنگ ها و جراحی جیبی های خطرناک و به صورت پیش مرگ امپریالیسم در آمدن و بند اور. عناصر و گرایش های درونی رژیم شاه - سارکطرا به سوی افراطی هند و استقبال از صاحبان زمین ها و ماسواست ناشناخته تارکمانه. شاه - واند لرم به امریکا ناهای هواپیما بر سفرش در تارکمانه امکان حضور او در افلیوس هند و آنتس بخشند. و تا حادس شد این ناگهان فریبی. سه ناهوایما بر ارتش امریکایا با همی سرسام آوری اشاره کرد. با وجود آن که پیشنهاد تشکیل پانامی نظامی از دولت ساحلی افلیوس هند - که هدف اصلی آن فریم شکست نهفت های فراینده ملی و پیشگیری ازوری کارآمد دولت های شرقی بر این کشور - بود - با سکت بر سو ظن کشورهای محروم و بیرو شد. شاه - زاندرم از نطفه پروازی های بی فرجام خود دست برنداشت. به هند در بحیثه خارجه و کشکولین کشور با پاکستان، دندان فرجه رفت و او را به حله نظامی تهدید کرد. و در ۳ ماه این سیاست زاندرم پایانه و نمود. هر آتشیدن بود که پای ایران در گرداب خاور میانه بحران خیز باز شد. و در جریان دیپلماسی رفت و برگشت کی منیجر برای حل گامی کام بحران خاور میانه شاه نقش بی محمل را بازی کرد. او به حکم آریاب تمهید کرد در صورتی که اسرائیل جاهای نفت حیدرامن سنا به صاحب اصلی آن برگرداند و نفت مورد نیاز اسرائیل را تامین خواهد کرد. و با استول این تمهید و مرجعیت مذاکرات صلح یکماتنه سخن با اسرائیل - که نوبی تسلیم در برابر صهیونسم و امپریالیسم وحشیه سای در آستان ارتجاع عرب بود - شاه بار دیگر از طرف کارنو مایوریت یافت برای نجات تلاشهای تصادفی شاه برای این مایوریت انتخاب کرده بود. این ترس شاه تا حد از مزه امپریالیسم و در دو طرف نطفه سازه نطفه کلام داشت. از یک سو حمله های بی دریغ و بلا عرض او به همالکی ای انحصارات و از طرف دیگر نیاز حیاتی اسرائیل به نفت ایران به او امکان جلا ن در میدان سخن و در آنکه با اجساد دهها هزار شهید عرب پیوسته بود و در دو طرف آن بگین و سادات به محاطه کشی پرداخته بودند.

و سرانجام آفرین برده بازی خطرناک شاه - واند لرم - بالا رفت. در فاصله چند روز زاندرم رهبر ریشمچوری سوالی و کز توشیص جیپوری اوکیا به تهران آمدند و به سلطه مذاکرات سری پخت درهای بسته انعام شد که طع ایران از کوچکترین اجزای آن بی اطلاع نگذاشته شد. به دنبال این مذاکرات، شاه به بدین مدهسه افطار کرد:

" تا حیات اتیوپی سای راه سوالی نطفه نخواهم کرد. " این افطاری میجز برده از نوطه ای برداشت که در آنرا لرباب کاخ سفید و ایننگین با زاندرم او در خلیج فارس طرینیز شده بود. شاه هدی شده بود که سی توانه تمایز صمیمی به سوالی راند در آن سوی افریقا و هزاران کیلومتر از مرزهای مادر و است تبدیل کند. اما تمایز بی پروا و وضع اسرائیل راه همسایگان بی زور سبلی سوری گدوستی در خلا خود همین بهار محرم می شود. با نین جنگی اسرائیل سهاجر را با نین ایران به راه می اندازد. چگونه است که در برابر تمایز شرمناک بانکی سای مردم صلح دوست بینام شاه خود در لژی حماز است. چگونه است که در ظلم شاه نظیر غضب خلق طفا را با نایب اختاری پذیرد. و در جریان بحران حاطی کرد نین حرای به تمایز خلقی علیه حکومت فتنی و رسی این کشور دست می زند. و با تمایز سوالی راه مرزهای شناخته شده اتیوپی و از نطفه ملو می دهد و آنگه تسلح می یزد. و شایع و شایع می کشد و خلق اتیوپی راه خاطر دفاع قربانی از صهیون سز جینش در برابر رگهای جهانی و دشواری منطقه تهدید می کند. شاید اگر کار از حد این تهدید فراتر نمی رفت، جلی برای

نگرانی باقی نماند. اما در روزهای بعد، گوشه و کنگر به شهری اثر دسیسه شاه آشکار شد و صدان کام های ناشناخته او به سوی برنگه انحصاری به گوش جهان رسید.

سرود الفیصلی در خارج مرستان محدودی پس از ملاقاتها در صحنه او که در جزیره ایران انگلیس یافت به طر گنگی به سطح اتیوپی اشاره کرد. و در پی بی. بی. سی (لندن) همان شب در تفسیری و این ایجاب و گنگی را از زمان برافراشت و اعلام کرد که " ایران و سعودی خواستار حل فوری بحران در دفاع افریقا شده اند. " این دو کشور خود را در حال سوالی خصمه می دانند و از این نظر ایجابی نقش فعالی را در بحران شاخ افریقا پذیرفته اند و ظیرو قرارهای خاصی با رژیم زاندرم گذاشته اند. " این تفسیر و رویکردن و اظهارات گفشت زاندرم کی رهس کسبه



زاندرم نظامی امپریالیسم

بسیر شود. خبرهای پخت برده ای که از شاخ جین به طر سیده حال از آن است که شاه قسط ایل تمهید خود را در برابر سوالی تمایز گر با پرداخت ۲۰۰ میلیون دلار و سبیلک می کشد. این باج سبیل سرسام آور که به شیوه حاشیه نشی از جیب سپه دیگران به حساب ملت ایران و بدین کنشی آگاهی او ایجاب می شود. به صورت پول نقد و اعتبار اسلحه و نارو و ایمن فرو و سایر موارد نیاز سوالی. در واقع به عنوان پادشاه خاست به حضرت زاندرم نقد می شود. ارسال اسلحه از طرف ایران به سوالی که از چند ماه پیش بر پارتی های کوچک قاز شده بود - و شاه صراحتا به آن اکتفا می کرد - از نطفه گذشته بعد عظمی به سواری کشنی ها و هواپیمای حل و نطفه خاست ایران محل صادر محتاجی اسلحه سبک و سنگین از سطل های ۳ - ساخت آلمان (که طر محتاجی از آن سبک سوالی فرستاد می شود) تا نطفه و نطفه های در خانه هوای را به طر سوالی قاز کرد. در همان حال که سبک شد که ایران با صفت جنگ سوالی علیه اتیوپی - که سبک گستر شد خالت های مستقیم نظامی سوادی و کشور همسایه مرتجع عرب در افریقا ملایم است - کارگزاران نظامی و فلیقان خود را برای خدمت در لرتش سوالی و شرکت در کارزارهای خونین شاخ افریقا و خواهد فرستاد. خبرهایی که از درون ارتش رسیده حکایت از مانورهای زنی وسیعی دارد که از ده روز پیش در نیروهای مختلف سه گانه لرتش ایران شروع شده است. کوششی خود این فعل و انفعالات در زیر پوشش کاسل انجام گیرد. اما رابطه مستقیم این مانورهای نظامی با خلاصه ناگهانی ایران به جنگ سوالی و اتیوپی، کاملا قابل درک است.

شاه - زاندرم کشور پاره سوی به آتش بازی به میسن و اعضا از سوی کشاند. مردم ایران بی آن که کترین تبلیسی داشته باشند، به جنگ نامرکی گشاده چشمه که سوادی و مرستان سعودی و بحر امریکا ضای امپریالیست سای جهان و در دو دست لرجهین خط در آستان همزی ریزند تا در دو این نرفت و خشم جین املی را که به سبب اجازه داده عظمی سلطه و چپال امپراتوری سرمایه فایده و با آنتی انقلاب خود خلقی های مبارزه به داری و مشایر حرکت بخواند و بخت کند. اما خلقی که با یک دست در آید کارآهن و چرخ های گشاده ها و یک گرهایی ی خورابه حرکت می آورد و با دست دیگر تنگ بر داشته تا از صهیون و آزادی خود دفاع کند.

و رابط بین المللی مجلس نمایندگان امریکای ۲۲ دس ماه در تهران به وضع تائید کرد. نماینده امریکایی با بی پروای حیز انگیزی یعنی شد: گنجینه های در شاخ افریقا ایران را تهدید می کند. و افزاید: " سرود دولت دستگیری در شاخ افریقا در دراز مدت تهدیدی واضی برای امنیت خلیج فارس است. " نماینده ای که به دست کارگزاران پنتاگن نوشته شده و صحنه به صحنه در ایران به اجرا در می آید تا آشکار عرصه به مرحله برای یک طر سیاسی - نظامی جدید، یک ماجراجویی دلهره آور و در حدی که هزاران کیلومتر از زمین باطله دارد و آماده شود. خطرات واهی و ضحکی که از جانب اتیوپی انقلابی خنجه ایران است، با شاخ و برگ فراوان و رنگ و لعاب دروین و بزرگ جلوه داده می شود تا خیانت تازه " شاه - واند لرم " از بیوری مشتاقانه از سیاست امپریالیسم جهانی برده



دست‌ها از اتیوپی کوتاه!

امواج خشم

شهرهای ایران را در نور دید

کشتار وحشیانه مردم قم توسط دشمنان گمراهی و خشم و نفرت طغیان آمیز توده های وسیع مردم و آزادیخواهان بیطرفان و مخالفان ضد دیکتاتوری را در سراسر کشور برانگیخت. آتش چنانیت همدانگ که به تابه نوبت اسلام جنگ طغی مردم شام و ساواک به خلقهای ایران بود، در جهان جسی از وحی و نفرتی است که به موجب های حرکت ای و مصدق را مردم شاه در مصدق تاپد و ایران برانگیخت و بازتاب گسترده آن مردم را پیش از این افشا کرده است.

خلل عام زبان بزرگان و مردان بی سلاح ایمان طور که بی ایمانده شماره ۱۰ نیت تا حد کرد به یک بار دیگر نشان داد که بن مردم شاه و خلق های ایران در پی این فاش شده است. هیچ راه جز سرنگی و درودست دیکتاتوری که بنده آسا به روی زمین مانده بود، و تنها راه ای به طغی و کوبه و شکست گانز نه در پیجمه و ظلم و دین و ظاهر فریب و ظلمت است و بیست و نه در در. قلام نسیع قم این واقعه در سینه را با ویسی خصیسه گنده بر برابر مبارز و خلق های شایسته و کجبارانه انصاف و همبستگی بر راه جبهه واحد و گسترده ضد دیکتاتوری خصم کوزا خیرهای که از شهرهای مختلف کشور به طرف سیده خلقی از آن است که در کمال حسرت و غمناکی و بیانی مردم امواج اعتراضی طبیعی برانگیخت که طی سال های اخیر بی سابقه بوده است. نیت گزاف و مصدق از جانب جنس مردم را نه طی و اعتراضی برای خوشنیت گان خود تهیه کرده است.

در اصفهان و نجف آباد

بازار اصفهان به علامت اعتراضی برای شهیدان قم به عنوان اعتراضی به حامی خشی که دشمنان شاه به راه انداخته، تعطیل شد. روز ۲۱ دی ماه فقط چند سازه در سراسر بازار بزرگ اصفهان باز بود. بسیاری از سازه ها بی خارج بازار نیز بسته اند. افساد گنده گان بد سخته. در این روز روزهای همه تظاهراتی در گوشه و کنار شهر برپا شد. دانشوران دانشگاه اصفهان با حمله به دفتر رسا و ستولان دانشگاه و تعطیل کلاسهای درس خشم و نفرت خود را آشکار کردند. در شهر نجف آباد (مرکز یکی اصفهان) نیز تقریباً تمام سازه ها را بسته و شهر حالت بی ایمنی را به خود گرفت.

در تبریز

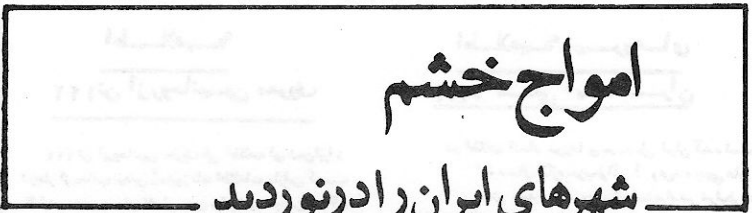
تبریز خشم و نفرت خود را با تظاهرات گسترده ای که از دانشگاه تا بازار شهر امتداد داشت نشان داد. دانشگاه اصفهان همچون تبریز اندر روز گرد دانشگاه راه آتش گنده و آگاه بسته انجمن دانش خشی که برای روزنه شدن حقوق و حقوقی کس در دانشگاه با بنظر آگاه به دانشگاه آمده بود، حمله کردند و آن را نیز آتش زدند. در حالی که گروهی از دانشجویان تظاهرات خود را به خیابان ها گشاده کردند. بازار تبریز از ساعت ۲/۵ بعد از ظهر ۲۱ دی ماه به دست تظاهرات شدیدی تعطیل شد. بازار بستان و ماسخ و دانشمندان و طبقات گوناگون مردم در تبریز سینه جابه به ناپایداری اعتراضی بر داشتند تا تظاهراتی در سراسر شهر نفرت خود را از دست توده آتش گشای که در صحن ها بر صحنه قدرت نشسته اند نشان دادند.

در جریان تظاهرات خصم و گسترده تبریز به نفعی از مردم و دانشجویان تبریز و گروهی بیشتر به دست گرفتند.

روز پنجشنبه ۲۱ دی ماه نیز بازار تبریز متشنج شد و به حال نیمه تعطیل درآمد. در تاج به هفته در گوی شهر تبریز نهران بعضی شدیدی که با خشم و کین آخته بود، دستگیری میکرد.

در آبادان

روز ۲۳ دی ماه آبادان با تظاهراتی در راه به دیگر شهر های نالار و ماسخ پیوسته. در کمر از مردم پس از شروع از مسینه آبادان در خیابان بیطرفی تظاهرات گسترده ای به راه



انداخته. بسیاری از همکاران به تظاهر کنندگان پیوسته و فریاد مرگ بچه را در میان خانه های اطراف را به بیرون کشیدند. تظاهرات کنندگان پس از آن تظاهراتی در راه مردم از آن که گزافه های شاه سر بسته و طغی شدند. اعتراضات مردم آبادان در جنبه های مختلف و در گوشه و کنار شهر طی چند روز ادامه داشت.

دانشجویان کلاسیک تبریز دستگیر کرده اند. از دستگیرها چند روز به طور برانگیزه انداخته شد.

در حومه های بازرگانی روز شنبه ۲۱ دی ماه تظاهراتی بزرگی برپا شد که در آن روز مردم در کمر با خشم تظاهر کردند. این تظاهرات به تاسیس شد و به تاسیس در پیوسته به بیطرفان آسیا که در نزدیکی شهر است متعلق شد.

دانشگاه تبریز در جریان تظاهراتی که از تظاهرات مردم در قم سرچشمه گرفته بود تقریباً به حال تعطیل درآمد. دانشجویان کمر برای کنترل اوضاع در دانشگاه بازرگانی از رویه دانشمندان به استقامت و دانشمندان دانشگاه های تبریز و در تبریز و در تبریز که سرگرم اصفهان بودند، دانشجویان کردند. حتی توده ای از دانشمندان حقوقی در خلقی از محیط دانشگاه تبریز اصفهان کردند. با وجود این تظاهرات اعتراضی توسط دانشمندان حاضر در دانشگاه ای گرفته و دانشگاه بزرگی حرم تالیف دانشمندان جوانان که به تاسیس گان گندم در تبریز و تبریز شد.

تظاهرات و تظاهرات دانشجویی در پی کوبه و دیگر دانشگاه ها به تاسیس دانشگاه تبریز و دانشگاه های مشابه دانشگاه تبریز در تبریز.



مکران اصفهان از کشتار مردم و برابری کاب و نزار و در روز یکشنبه خشم - در آستانه انقلاب ۱۳۰۵ - نشان می دهد - بنظر مردم که در دم تاریخ تکرار شد و تزار خیم تمام ایران راه ملک بیسی خود را بر تازید ...

در شیراز

روز ۲۱ دی ماه تظاهرات خیابانی مردم از خیابان های قوی خیابان زنده شرفه شروع شد. تظاهر کنندگان به نفع آیت الله خشی حمله کردند و تظاهراتی در راه نکت بار و تظاهراتی بر خاصه بان دیگر نسبه به کشتار مردم قم و در دست روزی شاه - ساواک ایزد نفرتی کردند. تظاهر کنندگان با خود مکرانگ از آیت الله خشی حمله کردند که در آن زمان تظاهراتی در کاب گرفتند. گلبران آیین مصدق و تظاهراتی در راه کس به طالب موهن و رفقای ای پرد که به افکار ساواک سرپیختند و صای معلوم الحال طبع بعضی مبارز ضعیفان سرچ شده بود.

در تهران

طغی گیله های که در قم موهن راه خاک و خون گنده تهران راه و نوبه و همچنان انداخته امواج بیای مکران حمل های اعتراضی و صحن آرزو را سینه. بازار تهران پس از سال ها سر پنجشنبه ۲۱ آبان ماه با افساد گسترده ای که پیش از تظاهراتی از بازاریان سر آن سرگشته کردند، به تبریز مردم قم و در مقابل افتخالی ایران و فرهنگ و طبقاتی و طغی دانشمندان بیسی بسیاری گمراهی برانگیز کرد. به استقامت چند سینه عالی آرزوی تالی دانشگاه با بیسی و بیسی عالی آرزوی تظاهرات گسترده بی سابقه که در بسیاری از روز و در و و های شده و در بسیاری با بیسی گزافه های دانشگاه اصفهان در تبریز خود را از صحنان شاه ابراز کردند. در دانشگاه صنعتی جابره دانشمندان و دانشمندان همان انگیزه تظاهراتی آبان چنان بالا گرفت که روز دوره بیسی دانشگاه را که سه هزار دانشجو وارد بوی گرفت تعطیل کرد و گروهی از دانشمندان خشمگین را در آنجا نزد با وجود تعطیل دانشگاه و جلوگیری از ورود دانشمندان به صحن دانشگاه بر دست خود راه بیای با کلامی ها و تظاهرات خیابانی چند روزی ادامه داشت.

در دانشگاه علم و صنعت و بیای بیای اعتراضی آن در گوی آن چنان شدیدی بود که همه راه های از افسان بای نیز گزافه ها میروند. تظاهرات تظاهر انحراف ۲۱ دی ماه ۳۰۵

تظاهرات در تبریز تاسیس به حومه بازار و دانشگاه با دستگیر شد. مردم در خیابانها سینه طبع جنایت قم به افساد مختلف اعتراض کردند. واد و دختران از ضعیف این تظاهراتی در آن گونه مردم فضایی سلسله است و تالیف کردند. سرگرمی در صحن تظاهرات خیابانی مردم و در صحن طغیان به خشم آید و در روز ۲۱ دی ماه به تاسیس به خیابان آمینگر خیابان نیت جنس حمله کردند و در گوی از تاسیس های سلسله را شکستند. تظاهر کنندگان با تظاهرات افسان شد و مردم به افسان و در افسان آمینگر افسان افسان راه کوشش بیای بیسی گزافه دست نشاند و بیسی بیسی افسان رسانند.

در مشهد

بازگ اعتراضی در مشهد به سلسله مختلف و در ناپایداری برانگیزه خیابانی که تالیف به خاطر در و در بیسی در گوشه چند شد. صبر روز ۲۱ دی ماه در چند خیابان همه ما طبع که بلافاصله گروهی از مردم و کسبه و دانشمندان به آن پیوسته و با تظاهراتی از دانشجویان آزادی از افسان بود و مردم در سینه و کسبه و مردم را حکم می کرد. به تظاهراتی در مشهد. آیین روزه خانه آیینی هنگامی که به خیابان نامریی مشرف شد، به درستی بر حج بدل شده بود. سر این تظاهرات گزافه های تظاهرات کنندگان حمله کردند و با خشم و نفرتی حشمتی آن طغی کردند. با تظاهراتی در روزهای بعد به اشکال تقریباً مشابه در گوشه و کنار شهر ادامه داشت.

در کومله

در قم - شهر به خشم گنده و صبر - در روزهای ۲۱ و ۲۲ دی ماه رفته رفته کسب صفران تحت کنترل جانوسی پیوسته. حکومت نظامی در همین خشم گسترده مردم رفته رفته صورتی به شهر افسان شده در گرفته بود. بازار و تظاهراتی در صحن بودند بعضی تظاهرات در لایه های مختلف شدند. تالی های بیسی تالی صحنان روزه شهر شد. تا سرانجامه خلقی در لایه های مختلف که از دانشگاه تبریز افسان ۱ صبح روزی در صفحه ۴

اعلامیه‌های اعتراضی شخصیت‌های مذهبی وسازمان‌های ملی

اطلاعیه ۱۲۲ تن از روحانیون معروف

۱۲۲ تن از روحانیون معروف طی اطلاعیه‌ای ضمن ابواب انجمن از مخالف ترمیم آیین‌نامه اخلاقات و از این کسب طاعات سفیل به جای اقدام جدی برای تهیه ترمیم‌کننده گانه جصورانه به روی مردم پشیمان می‌نمایند که برای مردم و طبقه دینی و بی‌دینی خود در قلمرو اقدام آتش‌گشود می‌بیند بی‌گناه را شیطانی و منحرف کرده اند و طلب‌برای مردم جوارید تحریف و به گونه دیگری وانمود کرده اند ایراد ناسف نبرده و "لین افعال و سلیقه‌ها و فساد انسانی" را محکوم کرده اند.

اطلاعیه نیروهای جبهه ملی ایران

در اطلاعیه انصار نیروهای جبهه ملی ایران آمده است: "به دنبال کثرت حزب‌ها و گروه‌ها! و عرصه جبهه ملی حقیقی خود رفته و دستگاه استبداد در شرایطی که تبلیغات و سیاسی سر باره احترام به حقوق بشر و راه انداخته در آستانه سفر دیرینگان سازمان ملل متحد به ایران توجه همه‌جانبه را آغاز کرد که بی‌آورد و آن‌ها نتوانند گروه‌های گوناگون مردم صحنه مایه". در اطلاعیه سپس تخریب هجوم جنایات آخیزان‌های رژیمه نظاصرات انفرادی مردم تم آمده بود در پایان نوشته شده: "روزنامه‌های اجبر شد" دستگاه استبداد استبداد استبداد می‌گویند نظاصرات این چه روزه مردم بر پایه سالیانه روزهای ۱۷ و ۱۹ دی ماه ارتباط دهنده و ناقصیت هدفیابی "جامعه روحانیت" را که با احترام کامل به آزادی و استقلال ایران همواره به‌پشتکار مبارزان ملی بوده است و از گونه جلوه دهنده بی‌خبر از آن که مردم ایران با این توطئه‌های پلیدی آشنایی دربرین دارند و هرگز رهنمایی ترقی خود را بر مردم میان خود باطلت ننشاند نخواهند که است."

مصاحبه آیت‌الله شریعتی با با خبرنگاران خارجی

آیت‌الله شریعتی در این مصاحبه می‌گوید: "از رهبران طراز اول مذهبی و خواستار اجرای قانون اساسی و احترام به حقوق و آزادی‌های فردی در ایران شد. هر چه در حدی در اولین صاحب‌مردم خود خیرنگران خارجی که هدفمندانه در مقام احیای روح شاه را به جرم قتل عام مردم و گناه در کینه و خیابان‌ها صورت اعتراض‌دهنده قرار دادند به سلب مغانان رژیم دیکتاتوری بیست و در کنار نیروهای ضد حکمت‌مند استبداد می‌شود که گرفت. اندر چنانچه خبرنگاری می‌گوید: "در این مصاحبه شخصیت برجسته مذهبی نماینده شریعتی ترمیم‌کننده کرده و امید لندن همین آن را در گذار روز ۲۰ دی ماه نقل کرد. در همین صاحب تائید شده است: "حکومت مطلقا مرتجع می‌خواند. اگر نقاصی بازگشت به قانون اساسی و احیای حقوق مغرب‌الزمان خوانده می‌شود در این صورت با تأیید شریعتی در اطلاعیه مرتجع باشیم".

آیت‌الله شریعتی می‌گوید: "نظاصرات مخالفان دولت و تم آرام بود و زمینه تحریک آینه‌اند است. این یک دروغ محض است که دولت سعی شده مردم تم برای مخالفت با اصلاحات اساسی و آزادی‌های زنان ظاهر می‌گردد".

آیت‌الله شریعتی در مورد اصلاحات لغوی تصریح کرد که اصلاحات باطنی یک اقدام اساسی است و هیچ سلبانی با چنین اصلاحاتی مخالفت ندارد. اما حکومت با این نامیاسات می‌آغاز می‌کند. حاکمیت خواست‌ها مخالفان را می‌بندد. رادیکالی می‌گوید: "بی‌خبر از این صاحب از غیر خبرنگار و خود نقل کرده است: بیخبر از ۲۰ هزار نسخه اطلاعیه او که در آن به کشتار اخیر تم اعتراض‌دهنده است از طرف مراجع طراز اول مذهبی در سراسر کشور به خنجر شده است. مردم به عنوان اعتراض به کشتار تم بسا بستن بازار و مساجد "خلاصه مراجع تبلیغ با سخت‌گیرانه است. بازار تهران که بزرگترین بازار خاورمیانه و مرکز مهم تجارت داخلی و خارجی ایران به حساب می‌آید در امتحان استبداد صورت تعطیل شد."

نامه کتبیته ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

کتبیته ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر در نامه‌ای به نخست‌وزیر حکومتی حوادث تم رفتار دشمنانه‌ها مثال رژیم رابا مردم تشریح کرده و در حمایت خود استناد شده است:

۱- نویسنده اطلاع سرایا کتب و اباحت نسبت به یکی از مراجع معظم تقلید شناسایی و به طاعت ایران معرفی به نام حذف حرمت اسلام برای تعقیب از نظر نشر کتاب به مراجع قضایی معرفی کرد.

۲- نویسنده و ناشر غیر مجبور و مکتوب تندرج در روزنامه‌ها می‌خواند که آن پیشنهادها را امتداد باستفاده از مردم بر علیه آزادی‌ها و نصوص آشوب‌برانگیز است که اکثریت محله برده اند تعقیب شوند.

۳- اعمال کشتار فوج تم برای اطلاع طاعت ایران معرفی و به منظور تعقیب و مجازات در اختیار مراجع قضایی قرار گرفته. به هر حال رسیدگی به عمل وقوع حادثه ترمیم و تعقیب‌حال آن در طریق صیانت امنیت و حقوق افراد بر عهده شمامت و چنانچه باین تکلیف عمل نفرماید به عنوان رئیس دولت شمساً سفیل تلقی خواهد شد."

اطلاعیه جامعه بازرگانان هیئت تهران

بازرگانان و هیئت تهران در اطلاعیه خود ضمن محکوم کردن کشتار می‌شود تم مردم تم و اطلاع داشته:

"روز پنجمین هیئت و ششم دی ماه برابر با پنجم ماه صفر را که آخرین روز هفده هزاره ای و اعتراض جامعه روحانیت و رفقا و قریب می‌باشد یاد بود شهیدان به خون خفته تم خوانده بود به نشان تخریب عینی از کشتار و محیای مردمی دفاع و حمایت از روحانیون ترقی خواه تعطیل عمومی اعلام و از همه بازرگانان شرافتمند دعوت می‌نماید که در این روز انبار کردن حصرها و میخانه‌ها خود را تعطیل کنند."

در شهرهای دیگر

گزارش‌های روزانه‌ها خبرنگران تهیه از نقاط مختلف کشور حکایت از آن دارد که نظاصرات و نامیاسات انفرادی و اعتراض به اشکال خنجر در اکثر شهرها پائنده است. بازرگانان روز شنبه ۲۱ دی ماه چند سلفه تعطیل شد. بازرگانان در کاشان نیز به عنوان اعتراض و میانه‌روی در مقام شهیدان قم میخانه‌های خود را بستند.

خشم عمومی مردم که در نظاصرات و نامیاسات نماینده‌ها و گروه‌ها و طبقات اجتماعی شمساً شده به پاسخ حاکمیت و دروغ پوشت آشنایی برودمان در تبلیغات و محرم‌گویی

فاجعتم تنها تخطی از خشم مردمی نداشت. ضلالت خونی که شاه به راه انداختن فضای ایران رها کرده بود تا کشت و خشر اندوه هم آویخت و تبدیل به نور شد. این خنجر در اعلامیه‌ها و اعتراضات مردم شکست به صورت انفرادی طبقی که طبیعت انسانی را محبت مدخلی بهم جنایتکار را نشان می‌دهد به جریان افتاد. اطلاعیه‌ها که با کسب‌های ایرانی و رابطه با قلم‌عام تم منتشر کردند و با نشریات اشتراکی که گروه‌ها می‌دهی و شخصیت‌های ملی و آزادیخواه ترویج نمودند به خطر ط اصلی ششتری داشت. صدای اعتراض‌دهنده‌ها که از کسب‌های ایران خارج شده و وطن‌مگنای داشت و به همین دلیل نبود و توان فریاد تیزتر کرد. بخشی از این اطلاعیه‌ها را که از کسب‌های کشورها و طبقات مختلف اجتماع در برابر خود سری کرده بنده آن را در مجله‌های آریا می‌بینی حکایت می‌کنند و در زیر می‌خوانید:

اطلاعیه آیت‌الله خمینی و آیت‌الله خمینی

بازتاب حادثه تم در نمایان شمع و در اطلاعیه‌ای که از طرف آیت‌الله خمینی و آیت‌الله خمینی نشر یافت نشان داده شده است. در این اطلاعیه آمده است که هر دو مرجع عالی‌رتبه دنیای تشیع در نامه ششمین تم را یک حادثه می‌دانند و بر اساسی تلقی می‌کنند. در این اطلاعیه ضمن اعتراض به هجوم کشتارهای شاه و مقامات به اصطلاح اشرافی و کشتار مردم در کویچه و خیابان و محله‌ها شامل مردم و دستگیر طلب و در همین حیزه‌ها اطلاعیه تا تأیید شده است.

اطلاعیه آیت‌الله شریعتی

در اطلاعیه آیت‌الله شریعتی در تاخت و تازگه‌های سلفه شاه به اجساد مردم این طرز تصور برده است: "ما در این در مقابل افراد بی‌دفاع می‌نمایند به سبب اند از می‌گردد نه چندان نخرابه ناعلم‌بینگاه گشته و عده کثیری از تشیع نمودند که ما قریب آنها معلوم نیستند حتی نمایندگان طراز برای رسیدگی به حقوق و دستگیر شده به محاربه‌ها مراجعه کرده بودند راه نداشتند... ما چنین اعمال مخالف شروع و مخالف انسانیت را به شدت محکوم می‌کنیم..."

امواج خشم شهرهای...

پنجشنبه ۲۱ دی ماه با تأیید هیئت کسب آنها لغو خواهد شد. در بعضی موارد این اطلاعیه‌ها و محتوای نامشومی بیشتر می‌داشت. محبت از این بود که جلوی میخانه‌ها می‌گشته بودند، با کسب ترمیم کشیده خواهد شد.

مردم از افتادها خارج نمی‌شوند و اما از یادگان ملی آریا تم نیروهای اقدامی به سوی شهر سرازیر بودند. با این حال نظاصرات را که خیابان‌ها در نقطه شهر به طرز ناگهانی نزدیک کرده و وقوع بی‌بوست. اغلب پیشنهادها می‌نمایند و در صورتی که برای مدتی به علامت اعتراض تعطیل کردند.

اعتصاب پر شور کارگران شرکت فلور

روز سه شنبه ۱۴ دی ماه هزاران کارگر ساختمانی شرکت فلور در اصفهان دست به اعتصاب یکپارچه و غیر انگیزه ورانه و ملی رفع تبعیض های کثرت کارفرمایان و استقلال امریکائی شرکت به اخراج کارگران و در محاصره نیروهای پالیس ژاندارم به معارضه حق طلبانه و متحد خود ادامه دادند.

روز دوم اعتصاب، یک ماه نایب چپ و فاشیستی به محوطه شرکت آمد و استعاری همراه با چند سرباز از آن پاداه شدند استوار مزبور از کارگران خواست چند نایبند باز بین خود بر آید تا اگر انتخاب کنند اما کارگران یک صد نفر از نایبند انتخابی کمی زیر پای نایب که فرد اجاب او در گوشه زمستانه خود آمد و بی اختیار مکرر لجاجت علیه او را میگردانید و هنگامی که از تبعیض در آمد گفت: «در این جا! صد مورد تبعیض که بنده می خواهم شورش به پا کند!» و کارگران به او اعتراض کردند و محاصره او کردند و دستگیر شدند و شیشه های جیبی و زانده ای را به عنوان اعتراض شکستند. پس از آن سلسله سرگرد باد و مامین سرباز وار در محوطه شد. اما این پلجنتاب سرگرد در برابر مزب یکپارچه کارگران دیگر حرمت نداشتند و تبعیض نداشت و از سر سازش برآمد به کارگران قطره ای که به خواست های آن هاریدگی شود و از کارگران خواست که به سرکارشان بازگردند. کارگران صورت خواست های خود را کتبا در اختیار سرگرد مذکور گذاشتند. خواستهای کارگران اضافه حقوق و مسج اهاب و نهاب به میزان ۲۰ درصد بود. کارگران می گفتند شرکت حق ندارد کارگران ایرانی را اخراج کند و به جای آن ها کارگر خارجی استخدام کند.

اعتصاب پر شور و شورانگیز کارگران شرکت فلور در اصفهان با زینت گسترده ای یافت به طوریکه در تمام مراکز کارگری و کارخانه ها در باره این اعتصاب تنگنوی شد و راهزین و آهنگین و محفل یکپارچه کارگران اصفهان آهنگین و ستایش سخن سرودند و بر لزوم ایجاد سازمان های صنفی و سیاسی که باید کارگران را برای مبارزه گسترده تر و وسیع تر تشکیل کنند تأکید می شد. دانشمویان و دانش آموزان نیز شورش بر علیه اعتصاب کنندگان را با تندی و ولعاسی حق همردی استقبال کردند.

شرکت فلور یک شرکت بزرگ ساختمانی امریکائی است که در ساختمان پالایشگاه های و تأسیسات پتروشیمی و نظیر آن در کشورهای مختلف از جمله آمریکا، هندوستان، پاکستان، هندوستان، ایران، قطر، عربی و ای رانته است. این شرکت در زمهر پالایشگاه آبادان، ساختمان پالایشگاه دوم تهران و تعمیرات معدن آن و نیز در شهرهای اصفهان، مشهد، تبریز و اصفهان و بندر عباس تأسیسات حق العمل های کلن مشغول فعالیت می باشد و هست. در سال ۱۳۴۸ که امواج اعتصابات کارگری در اصفهان جنبی علیه اعتصاب و تشنه کارگران سیاه پوست بالا گرفت شرکت فلور تعداد زیادی از کارکن فنی هم از حوضکار، برق کار، لوله کش، آبریز و تعمیرات فنی، برادرزهران با حقوق و مزایای بیشتر استخدام کرد و بلافاصله با هواپیمای آمیقای جنسی فرستاد تا تمامی کارگران اصفهان را بکنند و کارگران اصفهان را اخراج کرد. در تهران مسئولان امریکائی شرکت دست به تبعیضات وسیعی زدند برای استخدام کارگران بازار سیاه جنسی ایجاد کردند و کارگران را مطالب استخدام به طور متوسط ۶ هزار تومان طلب کردند. البته دستمزدهای کارگران ایرانی از دستمزدهای بسیار ناچیز کارگران سیاه پوست آمریکا جنسی بیشتر بود اما پس از چند ماه کارگران ایرانی را به میزان فرستادند که در آن جا سطح دستمزدها بالاست بود و نوعی کار کارگران ایرانی برای شرکت با تنفس بسیار زیادتر بود.

تمام ستولان و کارهای بالای شرکت فلور امریکائی هستند. و رفتار آنها با کارگران بسیار خشن و وحشیانه است. آنها سلسله سیستم کار خشن و پادارجه بهره کشی شدید را اعمال می کنند. به کارگران حتی فرصت استفاده از تفریحات داده نمی شود. اگر کارگری آهسته حرکت کند پادارجه دهه زودتر لباس کارش را فروخته کند و اخراج می شود. دستمزدهای کارگران بر اساس محاسبات کرد بر خلاف می شود و کارگران اغلب برای تأمین حد اقل شرایط زندگی مجبورند تا ۱۲-۱۳ ساعت در روز کار کنند. البته در اغلب موارد اضافه کار اجباری است. از ناها هر خوری، نواست کافی، پادانگ که های اولیه در مانی، وسایل ایمن ضروری و غیره صرف و تأمین نمی شود. هیچ یک از کارگران بیمه نیستند، پاد ای

و عهدی ارسال هم به کسی داده نمی شود. کارگران برای صرفی نهار تنها نیم ساعت وقت دارند که پاسوت به آن ها اطلاع داده می شود. اما عده ترین شیوه ضد کارگری شرکت اخراج و دست و جیبی کارگران پس از چند ماه استفاده کارگران جدید به دستمزدهای کمتر است. همه کارگران از این امر باخبرند. حتی موثرترین و بهترین کارگران نیز پس از ۹-۶ ماه اخراج می شوند. اخراج کارگران به بهانه تمام یک حله کلر صورت می گیرد. اخراج کارگر بدون پرداخت هیچ گونه پاد ایمنی صورت می گیرد.

رساله های اخیر به میزبانان شرکت می کشی طبقه کارگر و فعالیت جنبش طلبانی و فعالیت کارگران در ترکیب و میزان تشکیل شرکت کارگران ساختمانی نیز تقریباً شش صورت گرفته و همراه با تکرار کارهای ساختمانی در کارگاهها و واحدهای بزرگ که گاه در آن ها تا بیش از هزار کارگر کار می کنند، شرکت کارگران فنی ساختمانی که با ابزارهای پرخرج و وسایل سنگین و زود فرسوده رانده شده است. این شرکت در چند سال اخیر توانسته است در اصفهان جنبش طلبانی کارگران ساختمانی فرز گرفته، آن را رهبری کند. در سال ۱۳۵۲ به دنبال یک رشته اعتصابات کوچک و بعد در دست های مختلف واحد پالایشگاه تهران شرکت فلور، سرانجام کار به اعتصاب بزرگ و هنگامی کشید که در آن هشتاد و دو کارگر کراساده و فنی به حاضر کنی دستمزدها، شرایط و شرایط کار و پرداختن سرورس رفت و آمد شرکت کردند. این اعتصاب بزرگ پس از سه روز به دستمزدها و سازه ها و وسیله نیروهای و فاشیستی که پالیس شهرهای سرگرد شد. رژیم پادارجه خوش خدش خود را در باره ناراحتی کارگری نشان داد.

در واحد اصفهان این شرکت نیز کارگران فنی و روحانی و استشار و مهندسی ای را محفل می کند. کارگاه ۱۰۰ کیلومتری جاده اصفهان - تهران قرار دارد و در آن به طور متوسط ۲۰۰۰ کارگر مشغول کار هستند. کارگران در برابر فشارهای طاقت فرسای شرکت کارگران امریکائی بیشتر به اعتصاب پنهانی و کم گساری دست می زنند و سرپرستان امریکائی هرگز بیشتر نتوانند کارگران را به کار بیشتر و شدید وادار کنند. حقوق بیشتری در باقیست می دارند. ماه گذشته قرارداد یکی از سرپرستان سیاه پوست امریکائی را که رفتار ملامت تری داشت فسخ کردند. چند روز پیش روسای شرکت اعلام کردند که کارگری که اول از همه دست از کار بکشد اخراج می شود. این دستور اخراج کارگران را در اختیار کارگران تهدید به اعتصاب کردند و دستور برای انتقام گرفتن از کارفرمایان امریکائی آماده کردند. در چنین شرایطی دستور لغو عملیات نامیزار استفاده از شرکت. محصلین تازه وارد در ارتقاء سطح آگاهی کارگران نقش مثبتی داشتند. انتقاد از شرایط ناها و غیر انسانی محیط کار هر دو رو به فزونی می گشت. اما در باقیمانده محصلین و کارکنان فنی را که برای کارفرمایان خطری به حساب می آمدند اخراج کردند. در حالی که کارگران در راه برای تأمین استقامتی استخدام کردند.

در اصفهان به شرکت امریکائی دیگر به نام پلی کیمبرسون وجود دارد که در آن شیوه بهره کشی مشابهی اعمال می شود. در قمار سال گذشته اعتصاب وسیع و هنگامی برای دریافت حقوق و اهاب و نهاب به مدت دو روز کارگران راه حال تعطیل شد. در آورد. قریب ۱۰۰۰ کارگر دست از کار کشیدند و هنگامی که یکی از روسای شرکت به یکی از کارگران اصفهان اعتراض کرد و کارگران را با جوب و سنگ به ساختمان مرکزی کارگاه حمله کردند و در نتیجه آن راه نشان اعتراضی موجود کردند. در حالی که کارگران در محاصره مأموران و فاشیستی و ساواک قرار داشتند. کارفرمایان امریکائی از ترس پخت میزدند که محفل شده بودند. سرانجام هم اعتصاب در نتیجه پاد ایمنی و تشکیل کارگران با برتری پایان یافت.

عده زیادی از کارگران سابق پلی کیمبرسون اکنون در شرکت فلور اصفهان کار می کنند. تلاشگران و دیگر کارگران آگاه برای گرفتن حق اهاب و نهاب، حقوق مساویانه، نهارخوریه و تعطیلات و غیره محفل در آن جا چندین بار پیش آمده و دست سرانجام به ثمر رسیده. اعتصاب گسترده و یکپارچه روز سه شنبه ۱۴ دی ماه که در آن تمامی کارگران شرکت داشتند، نتیجه این تلاش ها بود.

جنگش ها و مسائل کارگری

اعتصاب و زد و خورد در نیروگاه برق اتمی بوشهر

کارگران نیروگاه بوشهر (بوشهر) در نیمه اولی ماه به عنوان اعتراض به شرایط زندگی در تدارک کمی دستمزدها و نیز رفتار غیر انسانی در حق آنها محفل می شود دست از کار کشیدند. اعتصاب کارگران با هجوم مأموران کلر محافظ نیروگاه رهبر شد و کارگران محترمی در برابر آن یورش میمانند به طلبانه پرداختند و در جریان زد و خورد ها می که در گرفتند تعدادی از نایب های ساختمانهای نیروگاه شکسته شدند. نیروگاه بوشهر پیشتر در حدود ۶ هزار کارگر ایرانی دارد که اکثر شان از کشاورزان آلوده و وسایط اطراف هستند که برای تأمین خرج زن و فرزند خود در دستمزدهای ناچیز کار می کنند. هنوز اطلاع دقیقی از تعداد دستگیر شدگان این اعتصاب در اصفهان و بوشهر رسیده است. کارگران به سختی آمده و جلز در امر خواستهای حق خویش به تبعیض آمیزی و رویه ای که بین آنها و کارگران خارجی است. غنچه و اعتراضی می دارند و خواهان تشکیل سندیکا می خویش هستند تا از ایمنی طریق حقوق صنفی برخوردار باشند.

گزارشگر نیمه و نیمه در بوشهر چند شرکت بزرگ واحده کار وجود دارد که هر کدام بخش از هزار کارگر دارند. در سطح سال چندین اعتصاب در این شرکت ها روی می دهد که اکثر آنها تمام آنها اعتراضی می کنند دستمزدها ناچیز و شرایط کار غیر انسانی است. در اصفهان و بوشهر کارگری بوشهر نیروگاه اتمی قرار دارد.

اعتصاب کارگران کشت و صنعت کارون

ازبک و صنعتگران خبری رسیده که کارگران این واحده صنعتی اغلب در حال اعتراض و اعتصاب به سر می برند. اعتصاب کارگران بیشتر در زمانی شروع می شود که فصل آبیاری است و استفسار کنند به کمبود آبیاری کار می دارند. کارگران به پادارجه اند و تاکنون در چندین اعتصاب حقوقی شده اند خواست های خود را به کارفرمایان پنهان کردند. در حدود ۴۰۰۰ کارگر کشت و صنعت کارون که تمامی آنها را کارگران تشکیل داده اند روزی از تجماع در ماه محفل می کردند و این در شرایطی است که عده کارگران بالای ده هزار تومان حقوق در باقیست می دارند. این بسیاری از این ها نوجوان ها هستند که با اعتراضات کارگری طلب می کنند. به حکم اجبار زندگی و استفسار شده به تدریج بزرگ در برابر ناچیز ترین دستمزدها و زن و فرزند اکثر کارگران کشت و صنعت کارون در کنار آنها پادارجه های دیگر کار می کنند. به این کارشناسان اصفهان خانواده های کارگران جریب زندگی آنها ننگ می ماند و حتی تاکنون این نیازهای حیاتی و روزمره محفل می کنند.

اعتصاب

کارگران پارس امتیال

در اوایل دی ماه مهندسین داخل شرکت ضمن صحبت با کارگران ایما و تشویق اضافه کاری شا بازرسی نداشتند. کارگران که این امر را نارضیقتی نسبت به خود تلقی کرده بودند و دستور به کم کاری می گفتند بنابر تشویق پشت دستگاری فرزندانش وقت گذرانی می نمودند. نتیجه این کم کاری تولید روزانه کارخانه به یک پانزدهم کاهش یافته. کارگران سپس به اعتصاب کامل دست زدند. کارگران نظامی خود نیز از اعتصاب ۱ ماه و ۲۰ روز استعزاز و احراز می کنند. کارفرمایان انواع حیلها را برای تسکین اعتصاب ضعیف می نمودند که تاکنون بی اثر است. اما چون عده ای از کارگران به علت فقر شده اند از نظر تأمین غذای خود و تنگ آفری گویند. کارگران اقدام به جمع آوری پول از میان خود می کنند. و در واژه هزار تومان شدند و در نهایت به درخواست می نمودند. اعتصاب ادامه می یابد. از نتیجه اعتصاب هنوز خبری نداریم.

اعتصاب

کارگران تأسیسات بوتان

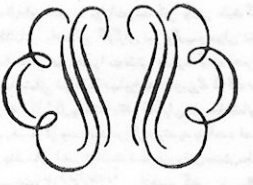
روز ۱۸ دی ماه حدت از کارگران گزاره پارس استیصال (واقع در جاده خراسان) به علت عدم پرداخت سفته که حقوق محصل هر ماهه روز یک بار پرداخت می نمود دست به اعتصاب زدند. مهندسین داخلی به کارگران اطمینان دادند که تا وقتی نیستند و از کارگران تا ۲۰ دی ماه مهلت خواستند. کارگران به سر کار خود بازگشتند و روز ۲۰ دی ماه چون بازهم از سفته عده شده خبری نشد و بهره دست از کار کشیدند. هنوز از نتیجه این اعتصاب خبری نداریم.



امروز به مناسبت یک روز در میان و پیش از آنکه در این روزها که در مطبوعات به زبان می آید به اهمیت خود توجه داشته باشید. میسر خواهد بود. این خبر را در این روزها که به زبان می آید به اهمیت خود توجه داشته باشید.

به ایران آشنید

- ۱. مابین ایران و روسیه
- ۲. مابین ایران و انگلیس
- ۳. مابین ایران و آمریکا
- ۴. مابین ایران و فرانسه
- ۵. مابین ایران و چین
- ۶. مابین ایران و اتحاد جماهیر شوروی
- ۷. مابین ایران و هند
- ۸. مابین ایران و پاکستان
- ۹. مابین ایران و ژاپن
- ۱۰. مابین ایران و تایوان
- ۱۱. مابین ایران و فیلیپین
- ۱۲. مابین ایران و هندوستان
- ۱۳. مابین ایران و اندونزی
- ۱۴. مابین ایران و مالزی
- ۱۵. مابین ایران و سنگاپور
- ۱۶. مابین ایران و تایلند
- ۱۷. مابین ایران و ویتنام
- ۱۸. مابین ایران و کمبود
- ۱۹. مابین ایران و لائوس
- ۲۰. مابین ایران و میانمار



کارگران ایران، در راه احیاء

حقوق سندیگائی خود مبارزه کنید!

نشریات حزب توده ایران شمارا با آثار کلاسیک های مارکسیسم - لنینیسم آشنا میسازد، با طرح مسائل حاد ایران و جهان و بررسی علمی آنها شما را در جریان وضع کشور و جهان قرار میدهد، با افتاء سیاستهای ضد ملی و ضد دموکراتیک رژیم شاه و ترویج سیاست و مشی حزب توده ایران به بالا رفتن آگاهی سیاسی رزمندگان ایران یاری میرساند و شیوه های درست و اصولی مبارزه را ارائه میدهد. نشریات حزب ما را با دقت بخوانید، مطالب آنها را با دوستان و آشنایان خود در میان نهد، به بخش آنها از راههای بی خطر و بابنکار شخصی کمک کنید. نظریات و پیشنهاد های خود را برای بهبود کیفیت این نشریات بنا بنویسید. از کمک مالی به نشریات ما هرگز ننویسید.

احیای سازمان بازرگانان و پیشه وران

جامعه بازرگانان و پیشه وران بازار تهران در هفته گذشته انجمن سازمان خصوصی با انتشار اعلامیه ای به آگاهی مردم رساند این سازمان ضمن آنکه به دنبال کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد است و مانند دیگر سازمانهای صنفی و غیر صنفی کشور نیز باخته کودتای گران مردم شگسته شد و در گذشته در عرصه مبارزات ملی و ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری، به ویژه در مبارزات اجتماعی، نقش شایسته ای ایفا کرده است. جامعه بازرگانان ملی اعلامیه خود صادر کرده است که در آنجا، تیرهای جبهه ملی ایران به دست تنگ در پیشه وران مبارزات آید و بخوانند و در راه وحدت گروههای مختلف اجتماعی سهم خیر ابراهیم نمایند. احیای سازمان صنفی بازرگانان و پیشه وران ایران و گام شستنازایی است که جنبش صنفی و مردم ایران در مبارزه با استبداد آید و شکست و طلاق انسان آنها میبرد و در

جنبش و مبارزات ۲ بهمن

مبارزات صنفی و اجتماعی در ۲ بهمن در تهران و سایر شهرها با شرکت فعالان انجمن سوسیالیست ایران و سایر سازمانها و گروهها در جریان بود. در تهران در صبح روز ۲ بهمن در خیابان ولیعصر و در سایر شهرها در خیابانهای اصلی، تظاهرات و راهپیماییها برگزار شد. شرکت کنندگان در این تظاهرات شعارهای مبارزانه را با صدای بلند اعلام کردند و در دستهای خود پرچمهای سازمان را دراز کردند. در تهران در حدود ۱۰۰۰ نفر و در سایر شهرها در حدود ۵۰۰ نفر شرکت کردند. در جریان این تظاهرات، سخنرانان با بیان مشکلات و مطالبات کارگران و پیشه وران، خواستار بهبود شرایط کاری و افزایش حقوق شدند. در پایان تظاهرات، شرکت کنندگان در جمعیهایی شرکت کردند و در مورد راههای مبارزه با استبداد و ایجاد تغییرات اجتماعی گفتگو کردند. این جنبش و مبارزات در ۲ بهمن با موفقیت انجام شد و باعث افزایش آگاهی مردم و تقویت روحیه مبارزه گردید.

در جریان این تظاهرات، شرکت کنندگان با بیان مشکلات و مطالبات کارگران و پیشه وران، خواستار بهبود شرایط کاری و افزایش حقوق شدند. در پایان تظاهرات، شرکت کنندگان در جمعیهایی شرکت کردند و در مورد راههای مبارزه با استبداد و ایجاد تغییرات اجتماعی گفتگو کردند. این جنبش و مبارزات در ۲ بهمن با موفقیت انجام شد و باعث افزایش آگاهی مردم و تقویت روحیه مبارزه گردید.



حوادثی

که رژیم از انتشار آنها وحشت دارد

از گوشه و کنار کشور

کلاهبرداری جدید رژیم

وزارت بهداشت و بهزیستی طی یک بخشنامه از شعبه های کلینی اجتمعی که وظیفه بیمه کردن مردم را به عهده دارند - به حوصله است دفتر به بیمه شدگان روش مستقیم را به روش غیر مستقیم بدل نکند. در روش مستقیم بیمه شده لفظی نوشته به سرکارهای شخصی که آدرس آنها را اختیار بیمه شدگان گذاشته شده مراجعه کند. در این صورت به شوه در مانگناه ملکه معاینه سر پاس و اغلب به بن معاینه نسخه داده می شود. در روشی که غیر مستقیم نامیده می شود، بهیشتدگان می توانستند به پزشکان مراجعه کنند و بعد از معاینه نسخه بگیرند. تا اواصل بهمن ماه که بخشنامه یاد شده صادر شد. بشوه کلر به این ترتیب بود که ابتدا بیمه شدگان، بیمه مستقیم می شدند و بعد از طی دفتر چه آنها به بیمه غیر مستقیم تبدیل می شدند. البته رژیم، مانند همه کارهایش، اولاً کسی را به رایگان بیمه نمی کرد و از کارگر و کثرت ۲۷ درصد حق بیمه دریافت می شد (۲۷ درصد از کارگر و کثرت ۲۰ درصد از کارفرما) و ثانیاً به طریقی لیستی و ضامن و روشه و خوروی رایج رژیم وضع چنان بود و هست که هیچ کس به بیمه نشود. نه در روشانه و از نه کلر و کثرت از بیمه رها می نمود.

حالا رژیم به تصمیم تازه خود که در غالب بخشنامه ابلاغ شد است در نظر دارد این کمرو را هم به روی صاحبین ها کلر و کثرت ببرد. به دنبال بخشنامه بالا در حالی که همان ۷ درصد حوصله از کارگر و کثرت دریافت می شود، به هیچکس دفتر به بیمه غیر مستقیم نده اند. و گفته می شود که دفتر به های غیر مستقیم هم به مستقیم تبدیل خواهد شد. جالب این که گروهی از کارگران که از سر ناچاری با دفتر چه بیمه مستقیم به در مانگناها مراجعه کرده اند، با دیده حاکسی رهبر شده اند: مسئولان در مانگناها به آنها نسخه های از پیش نوشته شده داده اند. بی آن که پرسند کارگران به چه نوع بیماری مبتلا هستند! کجا بیماری به دروازه های تمدن بزرگ شاهانه نزدیک شده باشد!

هجوم جدید

مالیات چی های رژیم

حکام آریامپوری هر روز برای جهاول طبقات مختلف مردم روز تازه ای ابداع می کند. در حالی که طبقین ها دلار سرآمده های بیمنی صرف خرید اسلحه های مافوق مدرن و روشت و پایش های بی حساب خانواده و بیولوی و ساواک نوظلق چین و بسذل و بیشتر به رژیم های فاسد و غفلت خلقی نظیر سادات بنیاد بلو و ملکه حسین رکود ناگران پاکتانی می شود. برتری نیست که - مالیات نامیده ای به زبان مردم زینتکنان وضع کنند. در مالیات مالیات های مستقیم به بهانه های گویسه گین آن چنان سنگین است که حتی تجار فری از پر اشدگان بلینزند. چند روز پیش روزنامه های ساواک زده اعلام کردند که به زودی طبقین ها را مالیات از اصفهان دریافت می شود و چند روز بعد نمایندگان رژیم به سراغ اصفهان تهران رفتند و برگ های مالیات را تسلیم آنها کردند. با مدیدن برگ های مالیات آذ از تهران دست از... جهول حلیبستنی تهران که از سال ۵۱ به بعد در مالیات مالیات از آن ها به عهده تصویب افتاده بود، برد آمد. مالیات چی ها هر چه به جای این که مطابق قانون، مالیات هر سال را بر اساس میزان فروش و شاخص هزینه های زندگی مردم آن سال تعیین کنند، به مالیات سالگشته بر اساس شرایط سال تعیین کرده اند. به این ترتیب میزان مالیات که ناموران مطالبه می کردند، گاه ۱۰ برابر بیشتر از سال های گذشته بود.

حد اقل مالیات دریافتی ۱۲۰ هزار تومان تعیین شده است

به دنبال این وضع تجار برای پولی و در بازار گانه های تهران، یک مرکز عده فروشی بسیاری از تجار فرش است. تا بلوهای پشت طازه خود آویخته که روی آن نوشته شده بود " این طازه به طت خدم هدرت پرداخت مالیات تعیین شده به فروش می رسد ". بله، بار مالیات آن چنان زیاد است که تجار تصمیم گرفته اند در حالی که سیلیست های مد طی دولت تجار فرتر را تا آستانه سطح طاکامل رسانده و در همان حال از تجار مالیات های کل ن طلب می کند، معازره های خود را برای همیشه تعطیل کند.

تان هم

بی سرو صدا گران شد

خیلی بی سرو صدا و بی آن که روزنامه های فرمایشی حتی صفری در این باره بنویسند، قیمتان بین ۴/۵ تا ۸/۵ ریال در تهران گران شد. در حال حاضر نان ناختین که تا به هفتصد و ۱۱/۵ ریال قیمت داشت، یکلیس ۲۸ ریال، نان لواش که هر یکلیس ۱۷ ریال بود، یکلیس ۲۵ ریال، نان سنگک که یکلیس ۱۵/۵ ریال بود، هر یکلو ۲۱ ریال، نان بربری که یکلیس ۱۱/۵ ریال عرضه می شد، یکلیس ۲۰ ریال فروخته می شود. در حالی که گروهی از مردم مستحقین بر یک صفر ایران و میبوند به نان و پنیر سازند رژیم که در بلندگوهایی مستقیم فریاد می زند، هر سال طبقین هاتمانی خسارت می دهد تا قضا کلا مالی اساسی رتبات نگیند ارد، به امتداد به ناموران اجازه افزایش قیمت نان را داده است. امتداد به هم به طور شفافسی به ۳۱۱۷ ناتوانی تهران گفته است که می توانست قیمتان را گران کند. این دستور آن چنان سفیانه صادر شده که در چند روز گذشته بازنسنان اثنای اصفهان که نقش اصلی را در شمعید بیانی حلوقوی از گرانفروشی به عهده دارند، چند ناتوانی را به جرم گرانفروشی احضار کرده اند، اما سپس آن ها را به حال خود رها کرده اند.

ناموران تهران که خود به طتکتیو گرد، افزایش هر روزه مالیات ها و جیره های جورا جور رژیم به بهانه های گوناگون از چندین پیش چنان به تنگنا که اندک چاره کلوا مررها کردن کار دیده اند و به همین خاطر هم در به سال گذشته ۱۳۰ ناتوانی تعطیل شده است.

زنان جوانی به مأموران ساواک

پاسخ دندان شکن دادند

روز چهارشنبه ۱۱ دی در حالی که نیروی ناحیه جوانی به حراسی حاضر رخ داد. حدود ۵۰۰ زن مستاجر بر او وارد آمد و به طت حیت جسمی و برای فریاد آنها را گرا که فرار است از نیروی صبر بر روی سر اختیار مستحارن را فرود رنج شد. بودند و به نصت برای پرداخت پول و فرود ساختن شهروندی می شدند که در این صوغ استرازا کل تقری (شبهانی) به دلیل اوضاع نامیرا به طت حیت و فشار و فریاد آنها را جتی بر کند کار و مأمورین شروع به فشاری به زنان می کرد (ناگفته نماند که اکثریت این زنان و همسران کلرگران زینتکنی هستند که روز سرگروه هستند) که تا پایان جرمه طت زنان فرار گرفتند و کتک خصلی نوبتسان می کرد که تقریباً از میان رفتند و بهیشترو می شود. این حرکت زنان از طرف مردم جوانی به (که اکثریت آنان کلرگروه هستند) مورد تحسین و پشتیبانی فرار گرفته است و همه مردم به خصوص کلرگران با شادی و ازین مامورین می گویند.

گزارش تکاندنده دانشجویان از وضع زلزله زدگان

چند هفته پیش زلزله زده گمان را از گوشه و حال همیشه مد معامنه غفلت و گنگی دهه هفتاد مستحقین خطه را بر سرشان خراب کرد. گروه بسیاری جان باختند و بازماندهگان هم وسایل ناچیزی را که از بخای آریامپوری ازیر بر سر آسان نگیند آشته بودند، در این ماجرا از دست دادند. مانند همیشه، روزنامه های دولتی به جای بخش حقایق زلزله، غفلت گرفتند و بلندگوهایی را که رژیم در دستشیرتک های دولت به زلزله زدگان و مردم خاص شاهانه، مای و مصون کر کنند، ای به راه انداختند و آنگاه بکلره همه چیز سر کتبه لعنتی خفتن و سانسور ازین راه رفت. بله رژیم زلزله زدگان آبلره زنده را ازین راه، اما لب های شاری به باد لبس خلق های گریامپوری زده می زد. لب فروزند آن خلق به بهانه خلق مثل همیشه کتو بر سر می زد. بر سر روی از دانشجویان دانشگاه صنعتی با میگیری شاری بیل بخدا، بزنگه و دلرو روانه ضابطی زلزله زده شدند. دانشجویان یکی به محصل رسیدند، تازه در پایتند که جگر مستهلیمان خالی است. تمام کتک های خطه انگیز رژیم که بلندگوهایی با آب تپا می آتیا را داده بودند، در بهیشتاد مستعمل برای مرخا کرده و یک پتوی مندرس برای هر نفر خلا ص می شد. خیل زلزله زدگان بی غذا و بی دارو نیه گرسنه در به ترین شرایط زیست به آمانگنا رها شده بودند. دانشجیان آنچه را که داشتند بین زلزله زدگان تقسیم کردند، اما هنوز گلوشان تمام نشده بود که گزارشهای دانشجیان حوصلتد حمل را ترک کنند. دانشجویان سرخا چشمان گریان زنان و دستان ملصصیر زنان بریام شده کودکان بیمار به ناچار حمل را ترک کردند و هر جا رسیدند گفتند که بعضی از جهاول زلزله زدگان هم با اندرند.

اعلامیه دانشجویان درباره

شهادت یک دانشجو

دانشجیان دانشگاه صنعتی هفته گذشته طی اعلامیه ای خبر شهید شدن یکی از دانشجیان این دانشگاه را در فکتمگاه شاه... کتبه ناشر کرده اند. دانشجویان دانشگاه صنعتی در این اعلامیه نوشته اند: فردای شنی که جلسه سخنرانی یکی از اعضای کانین نینتدگان ایران به انتصاب نینتستهای ضرر شد، نظاره ای در دانشگاه صنعتی روی داد و حال ساواک در جریان این نظارهات حسن نصیر زاده دانشجو و حال چهارم خاتونی را دستگیر کردند و دیگر از او خبری نشد. حالا خبرهای رسیده از زندان حاکسی است کانین دانشجو در زیر شکنجه گفته شده است.

استقبال از اعلامیه های حزب ما

مردان دانشگاه تهران اعلامیه های خود دست نصیبی شده است که در آنها از همه دانشجویان - کارکنان و بهیشترو سخنرانی - خواسته شده است اعلامیه های حزب توده ایران را تکثیر کنند. در این دست نصیبی ها تأکید شده است که خلاصه حزب توده ایران با عنوان "فصل - جلیبه - برتری" و پیام انگیز کننده برخی حزب برتری است که به طور وسیع تکثیر و پخش شود. در روزی از این دست نصیبی ها تأکید شده است که ما با بعضی از سیاست های حزب برتری نینتیم، ولی نظار اکثر حزب برتری بر تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری تأکید می کنیم و اوافشا گری می نهیم". استقبال و نینتیم.

نویسد

(وایسته به حزب سوده ایران) شماره ۱۷ - شنبه ۲۲ بهمن ۱۳۵۹



رهبر شهید زحمتکش ایران دکتر تقی ارانی
مروج بزرگ مار کبیم - لنینیم

بن بست مبارزات صنفی دانشجویان را چگونه باید شکست؟

دانشگاهها سالهاست که نبرد تیره نرسیده و روی دانشجویان با رزم خودکام استبدادی است. در حالی که بنگر پر از دانشجو با کار نظر صحت و عدم واقع گویه در طول تاریخ دانشگاههای ما سابقه نداشته و اینها سیاسی گسترده ای یافته است و مسائل صنفی خاصی کف در سرشت چنین جنبشی است. به صورت کلی به هم پیچیده ای در آمده و بحث داغ و اساسی تاجی دانشجویان دانشگاه هاردرسی عالی را سپیده است. نیم سال اول تحصیلی به پایان رسیده و دانشجویان پس از مبارزه ای که صدها جرح و صدها بازداشتی و صدها محروم از تحصیل و به افتخار از دست رفتن بسیاری از کلاسها و واحد های درسی و شخصیت ترین مسخره آن است و ظاهرا خود را در همان نقطه ای می یابند که سال تحصیلی را از آن آغاز کرده بودند.

در آستانه آغاز سال تحصیلی مسئولان دانشگاهها به دستور ساواک خود سرانه کتابخانه ها و کتابفروشی های دانشجوی را تعطیل کردند. فعالیت انجمن های دانشجوی و انجمن های کانونی و انجمن های نمایشی و مسخراتی و انجمن های هنری و ادبی را ممنوع اعلام داشتند.

این نوبت طبع به دهی ترین و شناخته ترین حلقه صنفی دانشجویان که در موارد جدید با توپ و تفهیر جملزه طبعی غرور آمیز و تحریک کننده ای همراه بود. هسته های مبارزه ای را ایجاد کرد که به تبعیت از حال و هوا می ریزد ایران به صورت رنگ سیاسی به خود گرفت و از این دانشگاه به آن دانشگاه ایران دانشگاه به آن دانشگاه و از این شهر گسترش یافت. اما ساواک خیال تن دادن به خواست های حقیقی دانشجویان را نداشت. این میزانی که تنها از سخن و سرگ تشنه می کند به خلق های ما از چشم فاجعی به مخلوقه گری به طبعه و جلای بی حکوم می نگرند و بی خواست و بی توفیق کوشش های تنهایی در برابر خلق دانشجویان داشته باشد. در ذهن بیمار او زور و خشو تن و همو پیچ و زنجیر کشیدن و غشون ریختن و از هم دریدن و شکسته دادن و زیر پا کردن و تسبیح کلید همه غل حاست. عکس العمل این خلفت صحرایی جزنا و بیشتر و لیبازی و خود سری کردگانه و بی انتصابی به اعتراضات دانشجویان و تاخت و تاز به ناراضیان و معترضان نبود. و چه است که این ساط اده درود ...

و اینکه سوالی در فضای همه دانشگاهها و در همه محافل دانشجویی موج می زند:

چه باید کرد؟ آیا پس از این همه مبارزه باید سلاح ها را به زمین انداخت و تسلیم شد و به کلاسها بازگشت و به سابقه اده داد؟ در این صورت رضی که همیشه نشان داده ساختن زندان و رابر دانشگاه ترجیح می دهد و از به حد رفتن سرما به عظم مادی و معنوی خلقت به خاطر بسته ماندن دانشگاهها، حتی گشتی گریه و کلاسها را برای نیم سال دوم تحصیلی هم نمی بندد؟

از این گذشته بسته بودن کلاسها و سوت و کور و بستن دانشگاهها و این امکان را که دانشجویان گرد هم آیند و در

به مناسبت ۱۴ بهمن، روز شهیدان حزب و نهضت

آوازه های رزم و خاطره های گلگون...

دانشجویان و فرهنگیان در دهان در جوانی ها و پند ها و گدازها، منتظرند. ایرانی تباران و پندین هابازگشت. جای پای سخن آلودی که از لافزانی تا امروز اندر دارد و از بهمان بزرگترین حساسه های خلق ما و گورستان هزاران قهرمان گشام می گذرد. این جای پای رزم و نبوت و نجات از هولناک ترین شکنجه گاهها و جنبشی ترین زندان ها و آستانه از قربانی صدها سمرقانه نیریلان میوزیک و بالانگر صدها هزار طب بر کوسه آینده بوسه زده است.

کوشش کنید... کوشش کنید... هنوز در ای غنیر آسای و از زبان "از دیوار شکسته گاه می گذرد:

- من و سرم و اما با زنی کردم...

هنوز "سایه" در برابر جوشه اعلام لبخند خرابه پهنساز آینده می فرستد:

- "آسیا که از می می آید، بیروم طرف مبارزه به دست می کشند."

۱۴ بهمن روز خاطره های گلگون میوزیک ایران حزب و نهضت روز انجمن آه های رسولی که از خاکستر حقیقت و پندین هابازگشت و یادمان "آوازهای سرخ رستگاری خوانند و روز مردگسی که به تنای از این جهان نرفته اند. روز پیوند عاشقان و کادری و مرگ میوزیک استغیث آن تن جرح و تناری که به حجم گور همه شهید ای است. سالها در شرایطی بزرگتری می شود که بخشی بیشتری از راه همین به گورستان شهید میبسته است.

۲۸ سال پیش در چنین روزی امید از شور و رفا شامس و زندگی پر خنای مردی را از خطی گرفت که داغ او همیشه بر دل جنبش سوده ای و رنگ نیستی ایران تازه است. اگر حاکمیت مرگ "ما رگس" به شایه کوتاه شدن یک سو و کردن از نجات بشریت تصویر شده. مرگ زودرس لڑائی به معنی کویک شدن بگر خلق ما - درست به اندازه بزرگترین سوری که داشت - بود.

"آواز خوانان که شتاب و طری ترانه افشانه دامنه کرمیله های وطن ما را کردند." لڑائی در حزب سوده ای ما شکست و مرگ گریه و خرابان جاری شد. در خانه ها و کورستانها. در آسمان و کوربه و پتله. در بازی و رنج و خور و خور و خور. در روستا، در

بن بست چهارزات صنفی . . .

جبهه دانشجویان متزلزل در اختیار بدست آن ها، جبهه شدن پاره ای اخصاص کم شمیر و بنا آگاه از صدها هزاره صنفی و از سوی دیگر قدرت بافتن در پاره تدریجی، جنبش های آتشین مزاج، بهارنیزان سنگر و اجسی و شعارهای عصبی و آفرینش صنفی می شود.

نقاط ضعف و قدرت فعالیت صنفی

راه کشای در مرحله کنونی چهارزات دیگر ای دانشجویی را نعت باید با شناخت عمده جنبه یکی هدف ما، عناصر صنفی و مسائل و ضعف های جبهه دانشجویان آغاز کرد .

خواست های عمده دانشجویان در مرحله کنونی چیست؟ زردی نیست که محتوای اساسی این خواست ها صنفی است:

در هر حرکت صنفی و الزاما عنصر سیاسی وجود دارد. این عنصر در حرکت های صنفی دانشجویی، به خاطر طبیعت و مزیت است. مشیو و نتراست. از این رو خواست ستولان رژیم با فعالیت صنفی دانشجویان قابل درک است.

عزمه فعالیت صنفی، عین گاه صاحب فعالیت سیاسی است. امکانات بالفرآیند آفرینش خواست های صنفی با مسائل سیاسی و ارتقا آن، به تلفیق کار صنفی سازمانی و سیاسی با فعالیت علمی صنفی و از بدگاه عناصر آگاه و مبارز در خور قابل و بهر همگی است. کافی است با سازماندهی و فعالیت منجمده، این امکانات نهفته را بیدار کرد و به کار گرفت.

فعالیت صنفی از جهت ضروری و غیر محتمل است که جاده به راه های صنفی و قابل اعتماد آن می تواند بهترین افراد و اقشار صنوبری که در خود متحرک سازد، افرادی که در برای همگامی و هماهنگی صنفی خود به هم اختلاف نظر و عقیده دارند و به گرایش های اجتماعی و سیاسی و مسلکی متنوعی داشته اند. این نیروی صنفی در صورتیکه سازماندهی و فعالیت صنفی باشد. دلیل ضرورت به خاطر این که جنبش صنفی تابع محدودیت های نظریه سازان با حزب سیاسی نیست. می تواند همه عناصر و اقشار صنفی خود را بکار گیرد و مورد توجه بیشتر، کند و به این سو سازد.

مسائل صنفی دانشگاهی با در رابطه با مسائل صنفی آفرینش می شود و در رابطه با سیاست تاثیر جریان ها، سازمان ها و گرایش های گروهی سیاسی به سوی تفرقه و تلاقی، به سوی علمان و گسستی، در بریز پیوسته و وحدت طلبی اضطراری که در نتیجه بدو نهفته شده است. می رود به گام با انتخاب گام، به کنی . . .

در این زمینه اشاره می کنیم به صف آفرینی علمی عناصر صنفی در دانشگاه توسط تهریم جلسات نظم گروه دیگری از دانشجویان شرقی و گسترش آشنایی آنها از تظاهرات دانشگاهی و خیابانی که در رابطه با گسترش و پخشانه تم بر پائیند و غیره . . . از این نمونه ها هنوز مثالها کم نیست.

بسیوی اتحادیه دانشجویان دانشگاهها

تشکل صنفی در تمامی دانشگاهها و مدارس عالی آموزشی و بهر متحرک و مدعیهای تقریبا یکسانی دارد. این یک تلاش مبدع و است که با تکیه بر آن می توان محدوده فعالیت صنفی را از هر چه دانشگاه ها به دانشگاه و از سطح دانشگاه تا همه حوس آموزش عالی تعمیم و گسترش داد. بدینسان می توان از مجموعه صنفی دانشجویی و اتحادیه دانشجو باار بدینوسیله که شامل وزارت معارف و دانشجو باار انواع اصیل و واقعا دانشگاهی آن است نوعی اتحادیه سازمان یافته را ایجاد کرد و توانست بهر از ۱۰۰ دانشگاه و مدرسه عالی و در حدود ۲۰۰ هزار دانشجو را در یک کانون پیوسته خودگذاشت. این نوع زیربنای نیرومند حلقه است. به این ترتیب حلقه به هر کجا پخشانه با حوس

دانشجویی در هر گوشه از خشم و آفرینش عالی کشور، سپاه ملی و نه مملکتی می کشد. نیروها و عناصر بیشتر و دانشجو در هر حوزة تولید و تولید علم، مسئولیت متحرک و هدایت این صنف های برکنده را بر عهده می گیرد. مدتی اندک بعد از دانشجو و جوش دادن این احزاب برانگیزنده در یک بلک فترت و تلاش به عصبه دارند. بدینوسیله است و هم در برزید به این جنبش گسترده و هم در حوضه و آن، عصبه های خشم و کمال نامرئی سیاسی، نقش جزئی تر سرگرم را دارند.

عدم رابطه زنده با مردم

ضعیف ترین مویج و به اصطلاح چشم استند. بار جنبش دانشجویی و محصور شدن آن در چهار دیواری دانشگاهها است. حرکت های دانشجویی چه در شکل سیاسی و چه در هیات صنفی آن - به استثنای موارد اندک - نتوانسته بیست نگردد که بتواند از روی دیوارهای دانشگاه، قدم به کوچه و خیابان بگذارد و با مردم بیامیزد و آنها را مخاطب قرار دهد و از آنها داوری و پاری بخواند. محصور شدن جنبش و انگیز آنها به رژیم فرصت داده است تا با فراغ بال و به هر شیوه ای که صلاح می داند، به دانشگاه بنام، به دانشجویان و اتانوسلر کند و زهر چشم بکشد و بگریزاند راه بندازد. رژیم می داند که در پهنای دانشگاه، کانون اندیشه آگاهی است و بهر از آن در رسوا و پاکیزه و نتراست که ایدیه به کسب حیثیت و افتاد و مقبولیت داشته باشد. با این چنین اوضاعی با نشان دادن سیمانه تری، چه در این در دانشگاه، خیره شبانه ندارد، چه بی نی افزاید. نگرانی او مردم اند. خیره شبانه با بازی ها و حرکت گوی های صحنه اوضاعی در محیط دانشگاه، به خاطر فریب دادن و گمراه کردن مردم است. دانشجویان آگاه که بدان امر واقفند باید چنین دانشجو سی را به راهی سوق دهند که این چشم استند بار نشان بکشد. با پایداری ننگین راه صنفی جامع، از کوچه و خیابان و قشربا و طبقات وسیع مردم جدا می کرد و دشمن را در صحنه تری بیج آن مورد حمله قرار داد. این نقطه ضعف رژیم همان نقطه نیروی جوانان دانشگاهی است. اقبال زمین بیسن دانشگاه و خیابان، باید با شرکت های صاحب شده و با نشاندن های جانبی زنده و ضعیف و خشن برای مردم قابل لمس است و جنبه لری و مهدری به نیک خواهد آمد آن را جلب می کند، همواره باشد.

ضرورت جلب حمایت استادان

جنبش دانشجو با در هر یک از اشکال خود می تواند بسط نیروی گفتمانی و از نقطه نظر روانی بر نانو استادان می بیند باشد. دانشجو با باید برای تحقق خواست های صنفی خود خود، برای مبارزه و خشن کردن در سراسر و تطبیق های که رژیم توسط کارگزاران و عوامل خود بر سراسر آنها تدارک می بیند و حمایت استادان را به دست آورد. چوه ضعیف و رسته های پنهان و آشکار بسیاری در شرایط اجتماعی، بی بندوباری و تهاجم جامعه ایران و دانشجو را به استاد پیوسته می دهد. استیفاء آنها از تهریم های ماری تا فرخانی ناهای معنی به پای هم پیشی رود و به ما هانگی نهایی درونی می انجامد. نرسد استادان زنده سنگینی است که از جهت معنوی می تواند که تراژدی مبارزه را به نفع دانشجو باار یابند. نامه های سرگشته اعتراضی . . . استاد دانشگاههای تهران و صنعتی به نسبت وزیر - و در واقع خطاب به ملت ایران - در رابطه با مسائل آموزشی دانشگاهها و تهاجم و خشن نگر ازهای رژیم به این حوس دانشجو و محنوت و ضیق و هور این نتراست که باره بزرگی از استادان آگاه و شریف ما در کار دانشجو باار هستند و از همان مسائل و نادرانی ما و تحمیل های زنی می بزند و کسبه دانشجو باار مبارز با حوس گریختن و یک سی خود احساس می کنند. کافی است شود و های مکن و نتر زاری ارتباط آنگاه پیوند جنبش دانشجویی با استادان شناخته و به کار گرفته شود.

بیماری آثار خشم و چپ روی

آنچه از درون نیست دانشجویی را می تراشد و حربه عدل می کشد و چپ روی انصار گسخته، آفرینش و بانگ و نوس می صیان بر عاقت و مهاجرت است که در طی ماههای اخیر جلوه های آنرا در گسستن در و بجزه و شیشه ها می به هم روختن آزارناکها و رفتار دانشگاهی و بدتر از این، در همه گام و

بجگه به مبارزه ها و فرسنگها و تاحیسات احتمالی در خارج از حوس دانشگاهها بدیم. باید بین مبارزه اصولی و تشویش بین صیان بهر نگر و عصبی با حرکت های اعتراضی و روشنگر و زردی بدی در قی قابل شد. باید حمله کار سیاسی را شناخت و از باخستن آن به ماحواصی و قبل و قال های آشوبگرانه بهرگز کرد. این نهمه از قیل و شیشه ای است که محسوس از یوانگی و اطراف کاری و فتنه و آشوب بهر ازند. دانشجو باار نیز در روند عریان ترین تلا شهای سیاسی و اجتماعی و صنفی خود به چنین رویه های نازند فرزند.

در غلبه بر این کرب و بدست زخمی می دهد تا خواست های حقه و آرمان ها و اهداف صنفی و شمارهای ضا سب و جذب دانشجو باار در حوس فرد و غیر این کینه حولان های عاطفی و خشمگین و بی تاب می شوند و آنها را در انتظار مردم به خصمانه گریه و شیشه ملوا، شیشه سکان حرفه ای معرفی کند. اید بنیان بین دانشجو و مردم که در حوضه همه نیروها میند، به در دیوار بتونی ظهور می کند.

گشادن صائل داخل دانشگاه به خیابان

مبارزه به صنفی و چه صنفی محکوم به تدارک است. چه بسا توقف در یک مرحله باعث رکود و زخمت درونی و تسلط دشمن تدریجی می شود. هر مرحله از مبارزه زیر یک شعار جذب و حرارت و کشش را میز را کسب می کند. اگر مبارزه در عین صنفی در راه یک حواس شخص و در یک میدان محدود، در شرایط نظارت و نظیر بدید، در سجا بزیاید، کارها به کار و لال می کنند و اطراف جلب کننده آن را وای نهند و این امکان افزایش می آورد تا طرفی به تدریج مبارزه آن را باریابند و بسایه و تقویه و قس باک خواست صنفی به مانع و مطاوت می بر خورد. لازم است که شیوه های متنوع بر اساس نشانی امکانات بالقوه، برای بهره گیری مورد توجه قرار گیرد. این واخوابی و بردگی و شو قندگی هر یوره ای است.

در عرصه دانشگاهی، در شرایط اجتماعی کنونی، همان طور که تا بکه کردیم، مبارزه صنفی ایجاد سیاسی بازی می باید، چرا که تلاقی تدریجی آن در خواست صنفی به خیابان نشانی جمع ملت و نظیر و زشتکاری است. با عناصر و روحیه و با کشتی و هیات و آیین های معدود کند. اختیاق بر خورد می کند. و اسسال بارها شاهد بودیم که چنین تدریج انتصاب نشسته و ۱۱ سلفه هزاران دانشجو را نشان صنفی و تظاهرات وسیع چند روز در دانشجو باار در خیابان ها با شعارهای عمده و بهر کسب توری تظاهرات به خاطر بود، زکاتر و غیره .

دانشجویان می با بست خواستهای صنفی خود را در وسیع سیاسی آن عدم بیشتر و ظریف تر می شود، در صورتی که خورد جدی با مانع به به برجم تطبیق خود بد کند و این برجم را هر چه وسیع تر به حان ضرر میرسد. ارتباط دانشجو باار با تهاجم و رانیه و زشتکاران، در حوضه وحدت و ضعف رژیم است. هوج آگاهی که دانشجو می بکشد، خود همان آشنایی است. همانند که مردم از فرزندان دانشجویی خود می کنند و همان سلاح کساری است که باید خوب نشانه گیری و چابک و در قی شلیک کرد. این معنی را در شرایط کنونی مبارزات دانشجو به بر موهو فعالیت های صنفی بنگانیم:

در لحظه کنونی، بهتر آنست که دانشجو باار در جریان کوشش همه جانبه و فعالی که برای فائق آمدن بر یواندگی های خود و توسعه سازمان های صنفی خویش که در مجموعه ارگان های آموزشی عالی میزول می دارند، علاوه بر چابندی استادان، حمایت و پشتیبانی فعال ائمن ها و وصف های شرقی و نظیر کانون نوسنده گان (صوبه) را بیاورند و آنگاه با تلفیق و تطبیق لازم و تدارکات قلی بروی جنبه صنفی و سلامت آفر فعالیت خود تکیه کنند و با بخش لایحه، بهایا پلاکات های متعدد در صحنه علم و فخره، در برابر وزارت علوم و آموزش عالی، بهایش اعیانسا مجلس بهاد و نقطه درگیره حلاج می دارند اجتماع کنند. این نوع اجتماعات و تظاهرات غیبا باقی ظاهر ادانشجو باار به دنبال مرجع برای رسیدگی به تقاضاهای صنفی خود می گردند و با تدوین راهی برای مردم اند و بناس با خود، برسانند وادی خویش از عدی دانشگاه و غیره و طویل و راج نلیغاتی رژیم به گوش زشتکاران، افسار و گروههای مختلف ملی و دیوکراتیک، آنها باید به مشولان وزارت علوم با بنایندگان مجلس - و در واقع خطاب به مردم - بانگ بردارند که قانونی ترین، بهدینوسیله و ضروری ترین حقوق صنفی و اجتماعی شان مورد دستبرد قرار گرفته و با این تعدی و تجاوز و زشتکاران تحصیل و امکان تری بخش کلاس و مدرس سلطه نموده است. آن ها باید با تکیه کنند که ما خواستار به فضای مناسب و باز و آرا برای تحصیل هستیم

صحنه سازی مهوع در روز ششم بهمن

سازگاری و سازش با قیستی رستاخیز همه نیروهایان راه خدمت گرفتند تا روز ششم بهمن انقلاب شاهانه را با برگرزیده روزه اصطلاح ملی و سبستی به سبک سواکه جشن بگیرند. این روزه که از دین باطل باقی مانده و ارباب بگرددان و خلق بگرددان دولت تدارک دیده شده بود سرانجام با تداوم شدیدی و سبستی سواکه استیمن در جاده کرب برگرزیدند. رژیم تمام امکانات خود را بسط خدمت گرفت تا از طریق راه دیو تلوزیون و مطبوعات جیره خوار

چگونه بی یوان در کابینه دانشجویی را بست و انتظار تحقیق و مطالعه و دانشوری داشت؟ چگونه بی توان حقوق کارها و پلیس مسلح را در دانشگاهها طویل و فشرده کرد و در ضمن حال شکنجی علم و اندیشه را مطالبه کرد؟ این مانیسم که سیاست را به کل در سر برده ام، آنها هستند که پیش از این سواکه و سبستی های پلیسی خود را به دین دانشگاهها گشاده اند و مصیبت در سر کل و سرانجام هار کابینه های دانشجویی را ریزش کنترل و سلبت پلیس سیاسی و کارگرهای انتظامی قرار داده اند.

بوشک پلیسی کردند تا آراش و خانات این نظامها را ضعیف و اجتنامی و این نمایندگان اشتراک خیابانی راه انحصار مختلف به هم بریزد. حلقه رابط و دانشجویی توده را بشکند و این سپاه آگاهی را به پشت حصارهای بسته دانشگاهها به عقب نشینی وادارد. نباید این بیانه راه دست او را در پای پنهان پیش چنین نقش رزیدنه ای را رسوا کرد. پلیس آگاهی بی بیانه و مداخله ای طبیعت ساجم و سلبت زور و فشار که اسلمه اساسی رژیم شاه - سواکه است به صفوف نظم و سلامت آمیز دانشجویان حمله بود و خود را بر آبروی ت و وضیعت خود خواهد یافت بی صحتی بی خاضعی و قلابی بودن آموزگارهای نظیر مجلس فراموشی جاگزاران و قلابان حلقه به گزیر با وضوح بیشتر در برابر سرود به شوت خواهد رساند. حاله حفاظت را بر گرد سردانشجو ضراکتر و نوازی تو خواهد نمود و انتقامی و قدرت آگاه کننده دانشجو صیبت قابل ملاحظه رگستر می خواهد یافت.

فراوانش یکم که درخواست خواهش و حق با حرکتی آیزد و نوجی مبارزه است. حتی اگر این حرکت به یک حرکت صفتی باشد. هر چه در وجهی بی پایه نظیر است. باید بهای لازم را برای جویفتن پرداخت. و تکراری های احتمالی از این قبیل و آنگر چه ضریبات بر کرده جنبش دانشجو مان است و بااضافه صحتی بر رویه وارد می آید که تحمل آن برای مدت زیاد در روز خرم و طاعت فریاست. از این رو تداوم و اوج گیری این نظامها است. استقامت درونی آن و طریقت های انتطاف به پیش روی این که به با وقوع هر حادثه تازه متحاسب با آن صف بندی کند و شیوه حلقه و دفاع خود را تغییر دهد. ضمانت برپا زنی نهایی است. جنبش صفتی دانشجویی در رویتان مبارزه باکتاکر و فریاست و چون جنبش دانشجو و نقش صبی در ظرف خندی آن در راه آید به بی شود. تجربه ای اندوخته به نظر سیاسی و مستحکم طرمانی آن تقریبی شود. زمینیه فضا برای حرکت های اساسی تر که با طبیعت جنبش دانشجویی به مثابه بخشی از جنبش ملی و مرکز انک خلق های ایران سازگار است. همبستگی می گردد.

راه پیمایی در سیر این هدی (که بی شک در هر دانشگاه و دانشگاهی به اهدافی تریابت میانه به ویژگی های آن صورت می گیرد) حتی اگر در نتیجه خود شود و موفقیت نهایی دست نیابد. در تحلیل آخر بازم برپا زنی است. این برپا زنی سکن است کامل نباشد. اما به میزان نزدیک شدن به مقصد و غنی و بلور است. به پیش گزینی دانشجو مان که به نظر بی هدف است که سرگشتگی یافته. هدف مشخصی در مد و بی این هدف در آن شور و تنوری دهد. و در زمانی آن را روشن می سازد. به جسم فعالیت صفتی. دوره متنوع آن و ناگزیری گرایش این فعالیت را به سوی سیاسی شدن توضیح می دهد.

از آنجا که هر حرکت صفتی اصل در شرایط انتظامی و سلبت پلیسی و صخلت سیاسی دارد. فعالیت صفتی دانشجو سبسان و ناگزیر به با مخالفت روستای دانشگاهها. بلکه با مقاومت سطولان سواکه کارنده و روبرو می شود. این مصادم و تولا فی خود ایدام سیاسی فعالیت دانشجو مان و دانشجو مان که در حرکت هبسی صفتی را با عناصر و خواست ها و اهداف سیاسی از درون می آیزد.

این ره و ضماش اجباری راه شاهانه نمی تواند طاعت از اهداف شاهانه باشد. ناگهان سبل اختیار و گزیرت های این روزه و ضماش اجباری به صورتی صفتی همراه با تیره و تشکر و خرم آقام ترین سواکه دران روز شاهانه ها چاپ شد و دهها فیلم تبلیغاتی همراه با ججهه و به جمعی لاشعور روی صفحات تلویزیون نقش بست. رژیم سرایا تکتیک وضامی خواست تا این ضماش از طریق مردم راه خیال خود فریب دهد به اصطلاح مواهب که این انقلاب شاهانه راه رختان بکشد و از طریق بسته امواج جنبش آزاد بخواهاند که سراسر ایران را در پی نور و دردم کچی کند. خاطر از این که دیگر جنبش رنگ باخته زبان فریب و ارباب توده ها هاد شده است. این را خود تمیزه کردن های رژیم هم درک کرده اند. شرکت تده امن روستا گمان اطسرای شهر ها در مراسم و دور نگه داشتن کارگران از صحنه نمایش خود بفرگزنر دلیل است.

سواکه از دین تها قبل به ادوات و حزب شده فرود رستاخیز سازمان ساواکی زنان ایران اطلاع داده بود که برای جمعی از کاروندان و اعضای ططن خود کتک شرکت در ره صادر کنند. ضما برای. در صده و رانندگان تکتکی و توتوس های شرکت واحد نیز کتک مخصوص صادر شد. البته اجباری بودن شرکت در تظاهرات به تمام کسانی که برایشان کارت صادر شده بود اعلام گردیده بود. به کارندان به طور ضماش و گاه به صورت شامبه حساب شده گفته شده بود که در صورت شرکت نکردن علاوه بر آن که پاداش آرسنال را دریافت نخواهند کرد و از پاره سال ترفیع و پادیه اخذانه کار و پادیه ترحیم محروم خواهند شد. به سواکه نیز مرمی خواهند گردید. به رانندگان تکتکی ها و شرکت ولند نیز اطلاع داده شده بود. در صورت شرکت نکردن در تظاهرات از ازاره کار محروم خواهند شد. اما اگر به صحن جا ختم شد.

آوازه های رژیم و خاطره های یگکن

هنوز قیام روزه در بهد آگاه پلیسی. از حزب و خلق ایدام وارد:

"من بهاضای آتش که خاطر خلق های ایران درین صحنه ام شعله می کشد برآمده ام. توده را برگزیده ام. و باید از همان کم که جانم و استخوانم و خونم و گوشتم. پوستم و همه تار و پودم در. این راه را رانده ام. شناخته است. تمام سطولهای من همه تروان توده ای هستند. من عاشق سوسالم و عاشق صا دی آن هستم."

هنوز ططن کبر و ابدی گیانگ حکمت جو در اسارتگاه زنده و شغاف است:

"زندان با مان کار به انتظامی نیست. آغاز مرحله دشوار تر از ترحیم و آسودن تدرک و تجهیز برای تیردها می دیگر و تخمیر جیان است. بهامبارز فقط حرفی تمام می شود که باور کند دشمن از او بی تراست. او با این خطا در حیثیت خود تیرده کرده است و جان ترحیم و تزیب و نه زیر چنگال های دشمن. بلکه به دست خود از پای در آمده است."



از تیر طای ترحیم که باخون از لراتی تا حکمت جو ایدامه دارد. هزاران تا بورت بری در ک سوز و خاطره و گد شفاست. خلق ما چگونه می تواند فراموش کند. خسرو گرشبی در روز های کابوس و هجوم و شکبه و نظف با پاسخ به توده ما:

نه...
جانگرا بادی این گله. ناب ترین شعر طاوت خلقش را سرود.
و هوشنگ نیزایی که شهید خود را پیش مر سلاخ خانه شاه به شارت داده بود:
"مرا از تو که تیر سبانی. برای ترک سبیت ها. مرگ از آن زندگی که نسا کنی با پیش نهادی که کتک گرل تر است. آن مرگی که به زندگی دیگران صفتی دهد. مرگ نیست. ما ترک سبیت ها. چنین مرگی را با فریاد زنی می بریم."



شرکت واحد و شرکت تماضی تاکسیرانی تهران که سواکه به نوجی آنها را سازمان داده و سرویتی می کشد برای جلوگیری از دست و فرار رانندگان برای آنها کتک مخصوصی فرستاده بود. تده باید در پایان مراسم توسط نمایندگان معلوم الحال جمع آوری می شده. به این ترتیب اگر کسی در ره شرکت نمی کرد و گذر ش راه دست نمایندگان نمی داد به صحت شخص شده. به سو رو تعقیب تفری گرفت. البته رانندگان شرکت واحد تکتکی ها را در مراسم نمایشی که از طرف سواکه ترتیب می داده بود در کوره انفج و تقسیم می کنند تا هر یک که از آنها اجبارا در مراسم شرکت کنند.

نظرو این برپا به در سراسر ایران اجرا شده تا میزان تلاف و پشتیبانی مردم. از شاه جبار و روح پلیسی ایشان دام و موشو! در تمام شهرها مردمی که به این شیوه و ازین سطح حسی و پاداش صیدی در مراسم شرکت کرده بودند. اغلب دیده های ترحیم را دیده بودند. در صدهای به برگرزندگان روزه نمایشی ناسزا می کنند و آنها که هنوز ترحیم در دلشان خانه داشت با خنده خشم این نمایش صحنه را سخفه می کردند.

چه کسی می تواند باور کند که این نمایش صحنه نشانه ای از قدرت رژیم و برنده و فاسدی چین رژیم شاه خون ریز است؟ اگر ستن های رژیم بوسیده ای به لرزه نیندازد. باشد چه نیازی به چنین نمایش های فرمایشی تمام با لوازم تیرده در مردم و سپس نمایش بزرگ جلوه دادن آن وجود دارد؟ تاخیر ششم بهمن قبل از آن که نشانه ای از قدرت صحنه اصطلاح صیبت شاه و انقلاب صحنه شده. دلیل ضعف رژیم و حسرت ترشدن گینه ای است که از رژیم شاه سواکه و انقلاب شاهمانه در دردم مردم وجود دارد و این پیش از هر زنی شاه لاشعور های اطرافش از آن گاه و در هراسند.

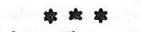
شهید و تاریخ ایامی مانند. فرخی و پیمان و طای جراع خاطره های مردم اند. چگونه بی توان خاطره های مردم را از آنها گرفت؟

نه تده ام تطابق های که هر بهار در دست های باز و ستارنده صیبت ما می شکند. «مناخ فرقه در خون و شکبه و روی دوشها و دستهای ما است. آنتاب از تمام شهید اطالع می کشد. به ناهای مجلوس کتیری. احمد زاده. «حنیف زاده و حسن و خانج. «صلاح. «سبیری. در دفاعی برضای. دانشسبان. شایگان. «بدیع زادگان. صادقی. توگر. نام ها و آنتاب های می نظری می توان افزود. مردان و زنانی ناشناخته که در میدان تور جیگر چشم در چشم نگاه داد و دوشته و آخرین طوره هستی نجیب شان را با شمارهای سوزان انتظامی. بر سر حرکت ایدام دیدند... «میلری. در دست تکتیک گاه اوبین پای او را از گرد گرفته می آن که می توانند در شتای که او را به خلق می پیوست پاره کنند. و او که با چشمان تب گوید. و در دند قطعه قطعه شدن خود را نظاره می کرد. و در زمین را با این بشارت ترساک. به لرزه در آورده بود:

"من به خانواده عطشی تعلق دارم که خورشید نس نیست. این خون بی فصلی نی ماند."

و قهرمانی که در شب اقدام. بهمای صیت نامه. «این کلام در رختان «موش من» بزرگ را تا سحر به آواز خوانده بود:
"میان سرباه داری و کور نیم در صحنه کتک کله با خاکستر کتک نیست ها بر شود. من می خواهم خاکستر این دره باشم."

شهید و سلطنونر با سیر دیگری که در صاب خانه های انسانی شده اند. در کوه ها و خیابان ها صحن تیرده در زندان ها پیوسته اند. آن که از سر توش عیش خشکیان پانه و از اینر عاشقانه خود احساس صیبتی شدگی کند. هرگز از این فضا و بهلولی ها و امانات خلق هزاران است. و از این امانات ها تاریخ واقعی ما نیز برپا خواهد شد.



آنها از مرگ می ترند... «سازید شهید ای حزب و هیضت ریز سبک و اندوه نیست بریز تیرده اندوه به نیرو ص...

برای آزادی زندانیان سیاسی مبارزه کنید

علی خاوری صدای حقانیت حزب ما

بی تازنی شانه هایشان را بالا انداختند. زندانیان ما از چشم و بدبختی به خود بی پیچیدند. سرانجام برای زهر چشم گرفتن از جلازنان سرخست، تنی چند از آنان را دست جین کردند و به "زیر هشتاد" بردند. صدای رفیق خاوری این بار هم رنگ طغیان داشت. در محرم در وجود او کانون مخالفت و شور و شریک کشف کرده بود. به او حمله کردند و سبلی محکم به صورتش زدند. صدای این سبلی و گویی زندان را پر کرد. مدد طلبان را پر کرد و چشم هارا از نظرت پر کرد. رفیق خاوری مثل مجسمه ایستاده بود. در جبهه او جز بیژری نبود. با سکو نشین زندانیان را تحقیر می کرد. همه زندانیان، بختی آن ها که مخالف توده ای ها بودند، تا چند روز سنگینی بخشی را که از کتک زدن رفیق خاوری به جان زندان افتاده بود. در گوی خود احساس می کردند. رفیق ما این سوشی ها زندان را تسخیر کرده بود.

زندانی ها تعریف می کنند:
رفیق خاوری در اصفهان ده های ده در زندان انفرادی بود. زندانیان از حضور او در میان جمع دل خوشی نداشتند. بی دانت از وجود او نیرویی می تراود که در جمع بی شکوفه و عطر و گلها می پیچید. بی دانت این عضو کجبه مرکزی حزب توده ایران حتی در زندان لحظه ای رسالت توده ای و انقلابی خود را از یاد نمی برد. او خطرناک بود.

در همین زندان اصفهان بود که ریز دستخیز به ملاقاتش آمد. سالها بود که دستخیز را ندیده بود. همچنان بد ادب و نگاهش سوسو می زد. اما چهره اش خاوش بود. حرفه در مصاحبه ای انداخته. به زندانیان گفت:

- تنها در یک صورت با دشمن ملاقات خواهم کرد. گفتند:
- به چه شرطی؟ گفت:
- نباید او را پشت صلبا ها ببیند. ملاقات ما باید حضوری باشد.
- زندانیان گفت:
- این ضرر سخن است، خلاف مقررات است. رفیق خاوری گفت:
- جز این هیچ خلاف مقررات انسانی است.
- زندانیان زیر بار نرفت. او نیز شوی و محسوس بد ادب را که سالها در لاش انباشته شده بود، نگهیداشت. در برابر نگاه حیرت زده و ناباور زندانیان از ملاقات چشم پوشید. چهره آرام و نفوذ ناپذیرش، نوزاد شوق و عاطفه در پیشتر او می پوخت. کسی چه می داند. رفیق حتی در زندان فقط آن طور زندگی می کند که خود نمی خواهد.



و اینکه جان این قهرمان خردمند - این سفاکشهرمخاک - در خطر است. برای آزادی این فرزند سلیمشور خلق با همه توان خود مبارزه کنیم. وجود خاوری در زندان شاه و پاشی که شرایط ناخوشایند و غیر انسانی دشمن های آزادیخواهی و پیروی می باشد سخت در آن ریخته است. سند زنده و سیاسی و حکومت رژیم بیدادگری است که مقابل هارا در غص می کند تا چند هاو خفاشها آزاد و راحت باشند... بیوای بیای هستی پر و چ و گدیده خود گل می سازد و زنجیر می سازد. اینزنجیر کجبه می سازد و زندانیان می سازد و زندان در زندان....



اخراج کارگران مبارز...

شده اند. اکثر این عده از کارگران قدیمی هستند و تعدادی از آنها سند یکای چابخانه ۳۰ شمیربور را اداره می کرده اند. سازه به نام چابخانه های تهران دستور داده است آن ها را استفاده نکند.



خاتواده های کارگران اخراجی کارخانه ها و واحدهای صنعتی ایران را رنگی و ذوق تهدید می کند. تشکیل ضد رفیق دیگری در واحدهای کارگری و تاجین زندگی کارگران اخراجی شقی است که بوند در دهان گنار تمز به گردان های در رسم شاه - ساواک که سعی در نماند اخراج کارگران اخصای جنبش کارگری ایران را خفه کند.



صدای بلند... صدای نه مغز می که خشم در آن نماندند می کشید. نطق جناب سرهنگ را زور کرد. همه سرها به طرفی مدد برگشت. رفیق خاوری بود. با قافلی به بلند می فریاد. بیسا نگاهی بواز اشگر:

- اجازه نمی دهم به ما توهین کنید. ما پشیمان نیستیم، سر فراریم، از عقیده خود سرفرازیم... جناب سرهنگ، من زندانی سیاسی ام. افتخار می کنم که تودما می ام. به خاطر با مردم بودن زندانی شما هستم و به خاطر با مردم بودن، توده ای خواهم بود. لطفاً به ما تبعیت نزنید.

در صدای رفیق خاوری، یک حزب گبر که سرایای نارنجی بیواز شبیه و رنگ و بپیکر است و انگار ساخته بود. زندانیان خفتان کردند... و افتخار آن ریز به میفرمود...

روز ۱۰ بهمن سال گذشته بارگردد زندانیان را به محوطه حیاط خواندند. این بار دست آبیان پیش رو بچه ها باز بود. فقط تعداد انگشت شماری به حیاط رفتند. بساط زندانیان سوت و کور می ریخت ماند. بهیامی رئیس زندان سیاسی سروراز پنجه می رسید:

- چرا به حیاط نمی روید؟ صدای افتخار آن ریز رفیق خاوری در پاسخ همه بچه ها شنیده شد: - به ما توهین می کنید. ما به تصاحب شما احتیاجی نداریم. اصرار کردند. فایده نداشت. تهدید کردند. بچه ها بسا

جان یکی از گرای ترین فرزندان خلق ما در زندان شاه در خطر است. رفیق علی خاوری که از چهارده سال پیش در پیجوله ها و ضمای تنگ و طاقت نرسای رژیم زیر فشار و پیچید امم است، بهر اثر ناراحتی چشم، عارضه های و بیماری آسم، در وضعیت ناخوشایند و نگران کننده ای باخته است. مسئولان زندان به صد از یاد او این قهرمان توده ای شانه خالی می کنند. به این امید که این بیکر خارا می نرم و افتخار که دشمن ها و شکنجه گاهها را فتح کرده و معلول بگیری برگرد شود. در محرم می خواهد چند روز شاهد آب شدن بوظهره ظنره غرور بخش این شخ خلق باشد. بهر آنکه که در وجود تنگه رفیق خاوری، سپاه شکست ناپذیری باقیست است که زمین کهن زیر گامهای او می لرزد و شکای بر می آرد و خورشید های بی تردید فردا از این شکای طلوع می کنند.

رفیق خاوری تنها یک زندانی نیست. او یکی از سرمایه های معنوی پروتارهای رزنده است. رفیق هوشت نیزایی - قهرمان شهید توده ای - در خاطرات زندان خود او را این کنکسات تصور می کند:

من در وجود او مارکسیسم واقعی را شناختم. او می توانست توده ای بودن را به گرای ترین مائه جهان بدل کند. او امانت گران بهایی است. مگر یک باغ چشم شاه صوب می دهد؟ اینک از شاه صوب های باغ صوم ماست. حتی در زندان آزاد است. هیچ دستواری نمی تواند او را از مردم که آن همه دستشان دارد بجد کند. چه عشق جنین آبیژی!

او در وجود همه توده ای ها و همه رزندگان خلق و همه شاکرگان و ستادبان و مبارزان، همه کارگرمندان و رنجبران وطنش آزاد است...

رفیق کبائوری درباره او می گوید: "یک انسان والا و روشی از این رفیق سالها می رزم و جدات سخن می گوید. در لغای نگاهش بلالی و در دست پانزیری شهری می آبیژی. رفیق کبائوری با همه کلام مختصر، انسان فلسفی را توصیف می کند که تاریخ مبین ما در نهایت برای او طاق نصرت انجمن شده است."

زندانیان قزل همه (که اینک برانته و شترک شده) ضرر... او... زندان اصفهان و مسئول بندی که رفیق رفیق خاوری را در خود دیده و امضا کرده های حامیان کنونی او سرشارند. سال گذشته محوطه بند ۱ زندان ضرر شاهد آفرینش یکی از خاطره های فراختر نشدنی رفیق خاوری بود. حیاط بند ۱ و زندان ضرر یکی است و گاه زندانیان بند ۱ راه به این محوطه می آورند. آن روز همه زندانیان این سه بند را جمع کرده بودند کسی نمی دانست از این ستیزان چه بر نماند ای تدرک دیده ماند. روز ۱۰ آذر بود. سرهنگ محرمی رئیس زندان ضرر کابلمی رئیس سرپرست این بیان شده و شروع به سخنرانی کرد. باجه و قاطعیتی! بیچاره گشت...

اعتصاب

نامه رسان ها و کارکنان پست

از روز دوشنبه ۱۰ بهمن پیش از ۸۰۰ نامه رسان زمختکش تهران دست به اعتصاب زدند. آن ها به عنوان اعتراض کارگر را و هاکردن و در مرکز و مناطق مختلف پست جمع شدند. نامه رسان ها در خواست خود داشتند و در آنها خواست دیگر. خواست های عدد آن ها افزایش دستمزد همه و روشن شدن وضع آن دسته از نامه رسان های است که بعد از سال ها کار شاق تازه استخدام رسمی شده اند، اما سابق آن هارلسه حساب آورده اند.

نامه رسان ها در میان زمختشان ایران که همگی خیر مری می کنند تا روم جبار آریا میروند سفرهای رنگین برای بیگناگی پس کنند و بر طبق خلق های دیگر جهان لشکر بکشند و وضع بسیار دشواری دارند. طبق آبروی که روم منتشر کرده است ایران در مجموع ۸۰۰ کارکن را در خدمت دارد. این رقم شامل همه کارکنان پست از نامه رسان تا وزیر است. از این رقم نزدیک به ۳ هزار تن نامه رسان های هستند که از پام تا تمام در همه روزها و از جمله تعطیلات عرس غییر از چمه ها یعنی در لحظه تعطیل سال بدین مراقبت حق امانت کفایت می رسد. فعالیت کنند و نامه رسان ها ایرانی را به آنها برسانند. وسیله حمل و نقل نامه رسان ها در تابستان و زمستان موسوس میگردد است. دستمزد آنان حتی اگر با افزایش سرسام آورده شده هاضم طبقه هستند. به از هم بسیار ناچیز است. برای مثال یک نامه رسان با ۲۰۰۰ ریال ماهی کار و داشتن دیلم ۱۱۰ تومان حقوق می گیرد. و این در حالی است که روم علاوه بر در آمد سرشار نفت و سایر اقلام و مصالح سنگین و هرگز مرفه رزاقی را وضع می کند و از راه های گوناگون مردم را غارت می کند. روز به روز بیست و پنجم فروردین ماه سال جاری وزارت پست و تلگراف و پست تر را افزایش داد. قیمت نمیر نامه های شهری از یک ریال به ۲ ریال و در داخل کشور از ۲ به ۵ ریال و نامه های خارج از ۱۰ به ۱۵ ریال رسیده است. علاوه بر این نرخ حمل انواع بسته های پستی ناگلبلی. ۵ ریال افزایش یافت. اما مثل همیشه از این افزایش قیمت و دیناری نصیب نامه رسان های زمختکش نشد. سرانجام آنها تنها راه جاره را در آن دیدند که برای گرفتن خود به طور جمعی اقدام کنند. اعتصاب که بزمنه آن از هفته ها پیش شنیده می شد صبح روز دوشنبه ۱۰ بهمن به واقعیت پیوست.

خواست نامه رسان ها از این فریاد بود:

افزایش حقوق و دستمزد و اعتصاب ۶ ساله ماه ۱۵۰۰ نامه رسانی که از سال ۹۹ استخدام شدند و اسلحه با استفاده رسمی در آمده اندی آن که سابقه ۶ ساله آنها حساب آید و افزایش خرج ناچیز بنزین و بنکداری و موتور میگردد و احتیاجی که عدم جلب مورد نیاز هم نیست و پرداخت کابل حتی لیا هم گرفته که در سال برداشتی شد و فرار است اسلحه رزم آرمه بالا بکشد.

از ظهر چهارشنبه ۱۲ بهمن کارکنان اداری پست هم به اعتصاب پیوستند. آنها هم خواستار افزایش حقوق و دستمزد خود متناسب با افزایش سرجمع قیمت ها بودند. سرانجام بیکاری و بیگناگی کارکنان تار و پود و کارکنان اداری پست سولان پست کشور را وارد به عقب نشینی سریع و پذیرش پاره ای از خواست های زمختشان کردند و وزیر پست و تلگراف و پست نامه را در دست گرفت کارکنان پست رسد و نبرد. و در دادگانکات راهی بیستی و ربا اعتباری که در نظر گرفته شده است از احوال حقوق رزبا و هوارسط استبدادی و سایر برزانه های رفاهی در اختیار آنها میگردد.

(پیشینه ۱۲ بهمن ماه)

۱! امروزه نامه های موانعی که وزیر پست و تلگراف و تلفن و اداری وزارت خانه در مورد پذیرش خواسته های اعتصاب کنندگان به آنها دارند و کارکنان معتبرین حاضر نشدند تا کار خود را باز شروع کنند. آنان با شناخت ماهیت وده های سرخروسی سولان و ضررهای انحصاری تا تمامای حقه خود را می خواهند. تا آخرین سلفانی که نوبت به زیر چاپ رفت و این اعتصاب گسترده که باعث وقفه در کارهای پستی و تلگرافی شده بود و ادامه داشت.

تحریم اضافه کاری در کارخانه جنرال استیل

مدانکار از کارکنان کارخانه جنرال استیل درواغرا سه گذشته دست به یک نوبت اعتصاب زدند و اضافه کاری محصل کارخانه را تحریم کردند. علت این اعتصاب علاوه بر دلایل مختلفی که به شرح خواهد آمد و سطح دستمزد ها مربوط بود بلکه انگیزه اصلی و مسوری داشت و آن این که حق ایاب و زهاب کارکنان به طور یک جانبه و غیره سزانه از طرف کارخانه قطع شده بود.

حق ایاب و زهاب کارکنان جنرال استیل در گذشته پلرها موجب برخورد و تنش و اعتصاب شده بود. کمی پیش از یک سال پیش تر سرس حمل و نقل کارکنان به طور ناگهانی قطع شد. کارکنان محترمی به سولان کارخانه گفتند که اگر به کار اضافی ما نیاز هست و اگر ما باید پس از ۸ ساعت کار شاق روزانه و چنده ساعته هم برای کارخانه اضافه کار کنیم و در این صورت رفت و آمد ما به کارخانه در ساعات ناهضاری با انگلانی رو برو خواهیم شد و هزینه زیادی از این بابت در دست خواهد افتاد. سولان کارخانه نقل کردند که در این مورد ضمن کارکنان از سرس ایاب و زهاب بریزانند. تویان به آن ها ازان بابت بهره ازانند. اما در اصل به جای تویان فقط در تویان به کارکنان دادند. این خلف وده و اجمالی آنکار با اعتراضات کارکنان برخورد شد. اما کارفرما به آن وضع نینهد. سرانجام کار به تحریم اضافه کاری در کارخانه کشید. اما این تحریم نینزه طعنه و تشنگ کارکنان و با این بودن سطح آگاهی سیاسی و اجتماعی و بلر زتر از اینست و به علت فقر شدید و نیاز حیاتی کارکنان به مزد اضافه کار و روزانه ای که قطع یک روز آن نیز برای خانواده های تهیدست زمختشان و جوانان ناپدید بود و به شکست انحصاری. کارفرمایین آشام که از نظره ضعف اساسی کارکنان آگاه بود با اینکه به این تجربه و این نقطه ضعف در وقت پیش دیگر بلر آن دو تویان باقی ماند هزینه ایاب و زهاب کارکنان را نیز قطع کرد. کارکنان خشکی و محترمی به هر دروی زدند و نینبه ای نگرفتند. گوشه نشینی سرمایه داران در این گونه مورد کرامت. برای کارکنان زمختکش که در زیر سلطه رزم شد کارگری شاه بهره کشی و سینه و لجام گسیخته سرمایه داران یعنی از این حد اقل نیازهای حیاتی روزانه خود و خانواده شان عاجزند. موانعی جز اعتصاب و تحریم و بازه اضافه کاری باقی نماند.

اما این تحریم نیز با وجود آن که چند روزی ادامه یافت بهر حال همان سالی و طول می ریزد که تحریم و ماهیت سال گذشته رو به رو شده بود. در تنگ و نقد ای جنگی وسیع بین شرها و گروه های کارگری که با یکدیگر بر آن پویانده نیازهای فوری زندگی را نماندی و متوجه شدند و در زمینه فقر و سرپرستی به ادانگشید و تعدادی از کارکنان را از این رو آورد. نخست یک عده و سپس عده دیگری از سر ناچار ایاب و زهاب کارکنان گرفتند. اما این شکست حوقی چه در وضعیت کارفرما و سرشت کارگر و زورگری او را با مهربانی هر چه تاخیر به کارکنان نشان داد. کارکنان به زبان نیندند و در این فتنه که استنظر کارکنان آنها حتی از در اندازی ترین حقوق مسلم و ناگردد ناپدید آنها طریقه می روند و بهر گری از شرایط اشتقاقی و نزور دار و دسته آرمه و بی حمایت همه حایبه رژیم از آنها از زمین بردای حق خواه کارکنان به گزیر مردم جلوگیری می نمایند و وجود هر نوع مرجع اصولی نیندند. تشریفات و بی مسئولیتی که کارکنان پویانده برای رفع اجمالیات و به آن مراجعه کنند نمی نمایند. کارکنان در نهایت خشم و نفرت پایمال شدن طبیعی ترین خواست وحق خود را به سرخورد دیدند و بطریقه این اجمالیات و تمایز نیمه آورا با شرایط نامناسب سیاسی و اوضاع و احوال استبدادی می در یافتند و پیش از پیشینه عبودیت داشتن سنگین و سازمان منق و واقعی خود واضح شدند. این به هر قیستی نتیجه کم بهایی نبود. ما در شماره های آینده نیز به بررسی همه جانبه مسائل و جنبش های کارگری در شرایط کنونی ایران خواهیم پرداخت.

کارخانه جنرال استیل در جاده قدیم کرج واقع است. این واحد بزرگ تولیدی می از دو قسمت متمایز تشکیل شده و به قسمت تولید وسایل و مصالح گچی و سیمانی و بخش دیگر به تولید بخیال و وسایلی از این گونه اشتغال دارد. اعتصاب در بخش تولید بخیال کارخانه جنرال استیل صورت گرفت.

جنبش ها و مسائل کارگری

اخراج کارگران مبارز به اشاره ساواک

تعدادی از کارکنان کارخانه کترین سازی ایران به اسب دلیل که در اعتصاب و اعتراض اخیر این کارخانه نقش فعالی داشته اند اخراج شده اند. این تصمیم از طرف کارفرما اشاره ساواک صورت گرفت. اعتراضات. هر یک از کارکنان اخراج شده بین ۱۰ تا ۲۰ سال سابقه کار دارند و سن برخی از آنها بین ۵۰ تا ۶۰ سال است. کارکنان این کارخانه که در جاده قدیم کرج واقع است حتی قبل نسبت به فروز سهام کارخانه بهر کسلی که کوچکترین نقشی در تولید کارخانه ندارند اعتراضی کردند و از کارفرما خواستند تا حق قضایی آنها را در اختیار بگیرد و نقد لود. لیکن کارفرما به کارکنان اعتراضی چنگ و دندان نشان داد و جیمی از آنها را که سابقه کار سته و داولتی داشته و به مسائل کارگری از جمله تاخیر در حقوق و سندی بکلی تسلط داشته از کار اخراج کرد. و اجمالیات کارکنان اخراجی به وزارت کار و دیگر مراجع دولتی تا کتب نتیجه بخش نبوده است و طبق آخرین گزارش های رسیده، کارفرما تعداد کارکنان جوان را به جای کارکنان. راخی اخراج کرده است. کارکنان اخراجی با آن که ۱۰ تا ۲۰ سال حق بیمه دارند اما بهر نیز به اشاره ساواک اعلام داشته که نمی توانند حقوق آن هارا بر آورند.

گزارش های رسیده از وضع کارکنان اخراجی بنز خاور نسیز حاکی است که وزارت کار بی شرمانه طرفدار خود را از کارفرمای این کارخانه اعلام داشته است. سولان این وزارتخانه ساواک زده پس از اجمالیات کارکنان ایرانی. برای روشن شدن تکلیفات به آنها صرحا گفته اند هم گونه حقی در کارخانه ننداردند و سولان باز خرید خدمت آنها هم مطرح نیست. بهر نیز و شرانید در توار کار دست به اعتصاب بیاورد. ای زندان اسما ۲۵۰ کارکنان کارخانه مدتی قبل برای اسیر بهر کسی دستمزد کارفرما به مقابل با آنها برخواست و در کارخانه راه روی کارکنان اعتصابی بست و آنها را به داخل محوطه راه انداد. کارکنان به اعتصاب خود در پشت درهای بسته کارخانه ادامه دادند اما این بار مدتها راه انداد و به نفع کارکنان نیندند. روزهای کار روزانه های و ساواک زده اعلام داشته کارکنان این عده و زیاد از آن ها راه باستی مجبور کردند. اعتصاب بهر اصلاح ۳۰۰۰ بیست اجمالیات و جنبش مدعیان را در کاروانسار استی در هم کوبیدند. جان کارکنان اعتصابی انانیدند و عده زیادی از آن ها راه باستی مجبور کردند. اعتصاب بهر ختم گشته شده تا دو هفته به طور پیوسته ادامه یافت تا آن که کارکنان تصمیم گرفتند به سر کار باز گردند اما کارفرما هیچ زیادی از کارکنان را اخراج کرد و اعلام داشته که باید به جمع کارگران مراجعه کنند. این جمع اخراج شده اکنون هفته هاست بین وزارت کار و کارخانه رفت و آمد می کنند اما هنوز نتوانستند باستی منطقی بشنوند.

از پیانشه ۲۵ شهریور نیز گزارش های رسیده که هنوز ۳۰ کارکر اخراجی این جایگاه نتوانستند البته حقیقی قضایی خود را از چنگ دولت و کارفرما در آورند. این کارکنان به دنبال جنبه روز اعتصاب کارکنان جایگاه نیز ۲۵ شهریور از کار اخراج شده و در حال حاضر در جاده قدیم کرج ۵

حوادثی

که رژیم از انتشار آنها وحشت دارد

از گوشه و کنار کشور

اعتصاب و اعتراض دیوران قصر شیرین

چندی پیش یکی از ازمجران انتظامی شهرهای قصر شیرین به این بهانه که پسرش را دیر در سرکلاست تنبیه کرده است به سرخ و سرخ مذکور می رود پس از توهین و توهانی مسلمانانه به دست های او دستبند می زند و او را به کلانتری می برد. سایر دیوران آژانسگاه که از حیران باخبر می شوند با خشم و انزجار با مأموران را با دیگر همکاران خود در شهر قصر شیرین در میان می گیرند و روز بعد اکثریت دیوران شهر به عنوان اعتراض به این اقدام خود سرانه و فاشیستی یکی از عوامل رژیم خودکام شاه از رفتن به سرکلاست ها خودداری می کنند. دیوران قصر شیرین اعلام کرده اند که تارسیدگی به این حادثه به اعتصاب اعتراضی خود ادامه خواهند داد.

پایداری مردم

در برابر تهدیدهای رژیم

شهر قم هنوز از عزای شهیدای راه آزادی این شهر بیسوز نهانده است و روزی پنهان بهانه های مختلف مردم کینه خود را از رژیم درنده و خون آشام شاه سواران نشان می دهد. خبرنگار خود از قم گزارش می دهد که در روز ششم بهمن که شاه ناشی با استفاده از تهدید به کار آمدن به راه انداختن در قفسم مخازنه داران علوم و فزاری که از طرف ساواک به آنها وارد شده و حزب فاشیستی و ستاها نیز از قبل بخشنامه کرده بود، با اعتراض نشدند به مردم شاهنشاهی را بر سر در مخازنه های خود آبران کنند. در تمام طول این روزها مدتها پرچم سیاه بر سر در مخازنه های قم افراشته شده بود و حتی در بعضی از محلات مخصوصا محلاتی که شهیدای قم در آنها زندگی کرده اند مردم بر سر در خانه های خود پرچم سیاه بر افراشته اند. بسیاری از مخازنه های شهر نیز که پسر برای پایش کشیدن پرچم سیاه از سر در آنها محوم بوده بود یکی بعد از دیگری به عنوان اعتراضی بسته شد. این مقاومت در برابر رژیم گویی ساواک در شرایطی صورت گرفت که شهرداری قم به دستور ساواک طی اطلاعیه ای به بازاربان و سایر کسبه شهر اطلاع کرد ماست در صورت بستن از نبودن مخازنه ها و ساواک سیاه پرچم سیاه برای همیشه باطل می شود و جلوی مخازنه ها دیوار کشیده می شود.

از زمان نیز خبر می رسد که در روز ششم بهمن کسبه بازاربان این شهر به عنوان اعتراضی به کشتن قم و انقلاب شاهانه طی رژیم فتنار حزب ستاها و ساواک به جای پرچم شاهنشاهی پرچم سیاه بر سر در مخازنه های خود آبران کردند. در شهر ساری نیز وضع در روز ششم بهمن شباهت به روزهای این شهر بوده است. غضا به دنبال حوادث حوزین قم در میان این شهر نیز بهمن است و خنجرای در نکا و ساری را در امام محرم تعظیم کردند. طلای این شهر به همراه روحانیون به عنوان اعتراضی به حیزه در سر و مساجد نرفتند. روحانیون ساری در هر کجا کسبه امکان داشته اند، اقدامات رژیم را در سرکوب خونین مردم قم محکوم کرده اند.

مردم چگونه عمال رژیم را رسوا میکنند

در جریان تظاهرات قم اقبال مختلف مردم به ویژه طلبه های جوان که ماهیروزم راه خوبی شناخته اند به دست بی انگیزات جالی برای رسوا کردن مردم و مبارزه بر ضد عوامل مزدورانش زدند. مثلا در یکی از صلیب بزرگ قم سبزه افشام یکی از روحانیون بر ضرورت و در شرایطی که پلمس تمام حرم و مسجد را در محاصره داشت، به انشای سیاست های رژیم برای صدها ساله جوان پرداخت. این روحانی در میان صحبت های خود ناگهان از طلبه ها خواست که حکمی مامورانی خود را از سر بردارند و جلوشان بازکنند. حاضران به سرعت این کفر را انبیا دادند. در این موقع روحانی مذکور خواست که به سرعت عمال خود را بپیچند و بر سر بگذرانند. طلبه ها که حکمی در این کار تیر درازند ماموران را بر سر پیچیدند و سرگردان شدند. در این میان هفت هشت نفر از حاضران در میان تمجب دیگران همچنان با صافه های بازنده بر می رفتند و در حالی که سرساک گرفته و ریا مانده شده بودند و انگشت نداشتند. در این موقع روحانی مذکور اشاره ای به آنها کرد و خطاب به بقیه حاضران گفت: «به سروروی آنها نگاه کنید، به گله سبزه زار نشسته شان و گردن های تیر کمر و هیکل چلبای و همای شان که همین غری در گل مانده را می مانند. بگریه سازان این ها همان ساواکی های مزدورند که برای خیر چنین جان مارخنه کرده اند! اینجانب بود که دست ساواکی ها رویش را حلقه ای همه در صفا طلبه جوان و ششگین آنچنان داری اینگونه ساواکی ها را گردن می های رسوا که ضد فرار داشته اند و آورنده که تا مدتی نقل محافل ساواکی خواهد بود.

مردم چگونه انتقام میگیرند

یکی دیگر از ابتکارات مردم قم که در جریان تظاهرات پر شوروی ماه گذشته در صفا کشته زخمی دادند، برای طلبه های پلمس و مردم رژیم و در دفاع از خود دامن بود که صبر یک روز صدها نفر تا به تابت سپاه خود را در میان گرفته و در محالسی حرم به راه افتادند. این محبت که از رفتار مختلف مردم و زن بود و طلبه و... تشکیل شده بود در بعضی تنهین جنازه به کانتاکهای پلمس (گارد انفرادی از مرکز) نزدیک شدند. درست در مقابل کانتاکها، محبت تا به برابری زنی گذاشت تا گمان از داخل تا به تابت و از ای و عیاشی چادرها در صفا و بوجی صفا می برود آمد. مردم کدول پر خونی از دست حاکمان رژیم آریا پیروی و دانی بزرگ از قل در صفا فرزند دلاور خود به دل داشته اند. به جان کاری به افتادند و به تنگ تن به تنس بر داشتند. تا قنای امدادی سر برسد، مردم انتقام خود را از آن ها گرفته و برانگه شده بودند!

آتش کینه مردم

در اصفهان هنگامی که خندگونی برانگشته های یکی از روزنامه های مزدور در یک کارزار باگویی شد، بعد از ای زورم پنهان به گوی صفا هم بودند و حتی آن عیارها آتش کشیدند. وقتی سستون کارزار حریق را مامور کردند، معلوم شد که تمام گویی های روزنامه های مخصوص روزی ناه کبیران بود که به صاحبست سفر حومه شاه نزدیک به مخرج چاپ شده بود!

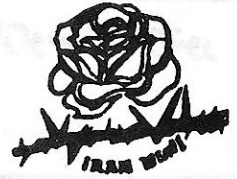
اوج بیبیمیت!

گزارش تکان دهنده ای که در روز سوم آید از زبان فردی است که از نزدیکان یکی از شهیدای حادثه قتلش است و اینست: «راخلمیکند: صبح آژانس ۹ و ۱۰ دی پسر جوان نشان از خانه خارج میشود. قبل از رفتن مادرش را از او میخواند که بیرون رود چون شهر شلوغ است ولی پسر میگوید که با شلوارش ها کار می کند و بعد میخورد. شب نمی آید... پسر از اطلاعاتی که شنیده است میگوید که مادر پسرش زخمی یا کشته شده باشد. مدتی به جستجو می شود از آن بالا خرید سبزه ام آشنایی که ماما می دهد می آید همان آشنایه مصلی که جسد کشته شده را در آنجا بود راه می بایند و عوارسی اجساد میروند از آنقدر رجسده زیاد بوده که جسد پسر جوان از آن بد آنجا از حال می رود. سرانجام جسد پسر جوان را در میان اجساد میباید می خواهند که آنرا تحویل گرفتند و پسر را در میان ماموران نیز میباید میباید که پسرش را از گلوله خورد موجای گلوله ها را بعد رومیاد تر نشان میدهند بعد هم می گویند اگر کسی خواهد جسد را ببرد باید با پسر گلوله هزار تومان بپردازد. بعد مردم را از آن بد که حتی ۳ هزار تومان برای برداشتن ماموران نیز میباید جسد فرزندشان را در آنجا کشته بازهد سبزه ام عیان آشنایی می شود و با کتله بالا خرد ماموران قبیل میکنند که برای هر گلوله ۳۰۰ تومان یعنی چمما... ۹۰۰ تومان بپردازند و جسد را تحویل دهند اما به شرط اینکه جسد را نشوند و بعد در سرورم اد فن کنند و روی قبر همین علامت حتی سنگ قبر معمولی هم نگذارند و قبرها خانه هم صلح باشد و عزاداری نباشد. حتی چهلجو... نیز نگویند. حتی جلوی منزل اقوامشان در شهران هم مامور فیک اند که ماموران می کنند. یکی از اقوامشان میگفت: ما حتی حق ندیم از پسرمان بخواهیم که جسد او را کشته اند که بگیم. صدای گریه مان تا بد از توی اتاق بیرون آید و در بعضی میم کفر می شد ما بد به تر از این نیست. در صفا و در آن زمان کفر می کرد و در صفا را قبول نمی کرد و دیگر ما هم حق ندیم از آن پسر و در صفا را قبول نمی کرد و دیگر ما هم حتی نمی گذارند که زخمی خرابه تر بران بپردازند. در دستور اد ما بد که حتی بیخود و چون هم میخوری عایش کسب است در اکثر سبزه خون تلف میباید (چنین است بیخود که بر رژیم و توده اروا نیستی شاه. مستند شو جوسرگونی کنیم!)

تظاهرات

نقابداران در دزفول

دزفول در عصر روز شنبه دوم بهمن ماه شاهد تظاهرات وسیع و پررنگی بود. صدها نفر در حالی که نقاب بر چهره داشتند در خیابان پهلوی حنیص با شعارهای ضد رژیم و فتنای شاه تظاهرات و تظاهراتی درونی و شهر را به لرزه در آوردند. تظاهر کنندگان نقابها را که پیوسته خود را از چشم شناخته شدن توسط عوامل جانتگر ساواک پنهان کرده بودند، خواستار آزادی زنده انسان سیاسی بازگشت حکومت فتنه به ایران بودند. با هجوم پلمس تظاهر کنندگان شروع شدند. این صحنه تظاهراتی به شدت باعث هیجان شهسور دزفول صحت های داغ محافل و میانی شد.



برای آگاهی هواداران حزب

با یکبار دیگر بروی هواداران حزب را در همه جا آگاه سازیم و بگوئیم بر اساس رهنمودهای سازمانی که گسره انقلابی توده‌ای بوجود آورده و با مرکز حزب تماس برقرار سازیم. برای برقراری این تماس تا هنگامیکه وسیله گاسلر اطمینان بخشی بوجود نماند، تنها نام مستعار و بدین نام هیچگونه خبر و اطلاعی که سابقه بنیاد از آن راه شلرا بنامند به نشانی حزب توده ایران نامه بجهت و خبرهای جالبست میسر زندگی خود و سید احمادی ایران را که در روزنامه ما منتشر نمی‌شود برای ما بفرستید.

این گونه نامهای خود را بنویسید مستقیماً از ایران بفرستید ولی بهتر است آنرا به نشانی آنتنای در خارج از ایران - بفرستید و از او بخواهید که آن را به نشانی حزب ما به پست اندازد. هر طوری که حتی می‌توانید از نشانی کسانی استفاده کنید که آشنائی با بی نیستند و نظراً هم نمی‌شناسند. این پستی دارد به امکانات ابکارا بشود شما.

برقراری پیوند کامل سازمانی تنها از راه ارتباط مستقیم فردی که صد درصد خود اطمینان شما باشد با سازمان مرکزی حزب درست است. برای گرفتن این ارتباط باید دست خود را به آبریا بیاورید و از یک طرف تلفن صبی و با از پستخانه (نه از پستخانه و با خانه سکونی) به بی بدین نام و نشان خود به شماره تلفن ۷۹۰۰۲۱۰۰ در پاریس، تلفن کنید و آقای باور Bayer را بخواهید. آن دوستان شماره تلفنی را که با آن می‌توانید با مرکز حزب تماس بگیرید به شما خواهند داد. نه در طرف اهل و نه در تلفن دوم نام واقعی و نشانی خود را نگوئید و خود را به نام مستعار معرفی کنید و بپس راهشانی که به شما خواهد شد در دنیا توجه کنید.

راه دیگر برقراری پیوند وسیله یکی از دوستان خود است که شانس است در خارج زندگی با تحصیل میکند برای دیدار به ایران بی آید و وسیله برقراری پیوند سازمانی بین شما و سازمان مرکزی حزب را فراهم می‌آورد.

برای ارسال خبرها و نامه‌های خود به "نویسه" منتشره حزب توده ایران در داخل کشور، نیز می‌توانید از نشانی مرکز حزب استفاده کنید.

ما در راه خلق حرکت می‌کنیم. هدف ما بحق است. راه ما درست است. ما سرانجام پیروز خواهیم شد.

ما با آدم‌بازر گایه گیسده

Sweden
10028 Stockholm 49
P.O.Box 49034

حساب بانکی ما

Sweden
Stockholm
Stockholms Sparbank
W: O 400 126 50
Dr. Takman

اعلامیه آیت الله خمینی

آیت الله خمینی شیخ الاسلامی کشتار مردم پس کشتار مردم تمسک کرده. در این اعلامیه آمده است:

تیمساح خیر که بر توی از دست خستنازده خورد او دست و پاهایش در سراسر کشور تیرانگند و خود کوبندگی خاصی دارد کشتار از خود بیگانه و مراد او خود ستی جا و کوشش را بلا نهد. بوجاهه وارد شده. حنا بی ۹۹ محرم سال تقویم هجری در آستانه جنازه است تا جاندر آن سال.

شما می‌خواهید ثابت کنید که کوزی و تحکیمت مملکت نباید کمال کند از پشتیبانی احاطه بر خورد از دست ستونگی تا نثار هرات میسر و دست خیر سرتا سرید امتداد از راه غیر از تقویت و بزرگسایت کرد که امیر اسی خواهد و از او خواهد بود تا حقنوار است.

سخت‌سختیها بر او میسر میسر هم کوزیم جا بر نماند انتصهای آخر تو را می‌کند و این قتل نامها را بر حمانه نشانی خود ستودگی و حرکت توده بوجاهه است. سخت‌سختیها سراسر است این ما نثاره ای و قضاوت نباید تا نماند کشتار از آنها آغاز از دست مملکت خوردن بر ما نماند است و دستن سازمانی و اراد دل و او با تو از خود نشان و حدم و دست‌فروشیها را با راز بر سر نماند از انحراف جمع بر روی در سپر تا به بر یاد و احتمال جا و بد شاهواد ارمی کنند و گمان میکنند حیران تعدادی عمومی بازارها است و این سبلی می‌توانند صیرت سیاه خود را سنج کنند.

می‌باید سراسر این سید اردو و هشتاد و بیست و پنج و بیست و پنج و بیست و پنج می‌توانند نوید پیروزی می‌در هم. پیروزی تو با سر بلند می‌تواند پیروزی تو با است و این است نثار و آزار می‌تواند.

ملتی که با او نیستی حیوانی می‌بویند خود با سر فراری به محالستو تفرزاد ستاره حصار داد امید در پیروزی است و ملتی که با او را... و او هر آن شود که امر انتخابه هر کج حیوانی می‌بویند نماند می‌کند که در دستش است استند پیروزی است.

می‌باید این رژیم را بر سر نماند که کوه کتک نشومان تبلیغات نارنگیش نماند ملتی را که کمال سید ارمی می‌بویند و بیجا خود را استغفال کند.

من با کمال توانم دست خود را بسوی ملت تحمیل و این دراز می‌کنم. از روی جانم و در بی‌المان تا خدایا! حدم. از جوانان محترم جزوه جای نموده است. خوبا در انشای شما، از بازاریان دست‌نرم کارگزاران خود مددگان او و باقی صحت مرد اهل و خارج که در روز... می‌بویند با بر سر نماند که دستار می‌بویند و در حد شکم می‌خورد. را حدم و این است. تا نماند از آن جزا نماند و بی‌دلی و با حد و بند از عدم آن در راه استغفال کشور و با بی‌دلی احاطه بوجاهه وابسته می‌آید. اگر نماند.

آخرین خبر

اعتصاب کارگران دخانیات

از صبح دوشنبه ۱۷ بهمن پیش از دو هزار کارگر دخانیات تهران دست از کار کشیدند و اعلام کردند تا زمانی که حقوق و مزایای آنها افزوده نشود به اعتصاب ادامه خواهند داد.

کارگران دخانیات که چون دیگر کارگران ایران حقوق بسیار ناچیزی می‌گیرند، از مدتی پیش از مقاطعات دخانیات درخواست کرده بودند که حقوق ناچیزشان را افزایش دهند. اما مقاطعات دخانیات با دادن وعده ۶۰ روز و فردا می‌گردند. سرانجام کارگران که بعد از چند ماه نتوانسته بودند، با تذکره اندکی از آنچه راه رژیم از آنها غارت می‌کند به عنوان افزایش حقوق پس بگیرند ۶۰ دست به اعتصاب زدند.

دخانیات در حالی از افزایش حقوق ناچیزی کارگران خوداری می‌کند که به عنوان بسک انحصار بزرگ دولتی در آرد سرشاری دارد. آمار منتشره از جانب خود رژیم حاکی است که در سال ۶۹ در آرد دخانیات بیش از ۷۴۹۷ میلیون ریال بوده و در سال بعد به رقمی بالاتر از ۹۵۹۶ میلیون ریال رسیده است.

تظاهرات در نیویورک به پشتیبانی از کانون نویسندگان ایران

در میان تظاهر کنندگان شخصیت‌های معروف چون آرتور هیلر (نویسنده مشهور آمریکایی)، ابراهام بن‌هلی (شاعر معروفی تاجر)، سالینگر (نویسنده ضد جنگ)، ریکت بدلی (نویسنده طرفدار آزادی زنان)، روبرت هارولد (رئیس انجمن قلم آمریکا)، دروی آنتن (شاعر هنری)، جورج نوک (نویسنده آزادی خواه)، میلندلسون (دیپلمات آمریکایی)، و دیگر رهبران شعر و هنر ایران و استاد سابق دانشگاه، به چشم می‌خورند.

تا آنه که نگران سرانجام دشمن صاحب با خبرنگاران روزنامه‌ها و رادیو تلویزیون‌های مختلف، به نشانی خود را از خواستهای قانونی کانون نویسندگان ایران اعلام داشتند و توجیه و اعتراضی حاکم بر ایران را محکوم نمودند.

روز پنجشنبه ۲۲ دی ماه پیش از صبح، بیست تن از نویسندگان معروف و مشهور آمریکایی در برابر هتل هیلتنی نیویورک (محل اقامت فرج پهلوی همسر شاه فریب شاه جلا) اجتماع کردند و صدای اعتراض خود را نسبت به رفتار حاکمانه و ستم‌ناسه رژیم شاه نسبت به نویسندگان ایران به گوش جهان رسانند. تا آنه که نگران که در کمال آرامش حرکت می‌کردند پلاکات‌هایی در دست داشتند که روی آنها شماره‌های نظیر "کسانین نویسنده گان ایران رابه رسمیت بشناسید!" و "نویسندگان زندانی و آزاد کنید!" و "زندانیان سیاسی آزاد کنید!" از شکم زندانیان و کشتار مردم دست بردارید!" و... نوشته شده بود.



در راه ایجاد جبهه ضد دیکتاتوری بکوشیم!

نویسد

(فوق العاده)

(وابسته به حزب توده ایران)

شماره ۱۸، یکشنبه ۲۰ بهمن ماه ۱۳۵۶

قتل عام ده ها آزادیخواه در تبریز

نظارت مستقیم نظامی دهها هزار مستشار و کارشناس بانکی به ستوه آمده اند، در هر فرصت و به هر بهانه، ناراضی و خشم و اعتراض خود را بروز می دهند و این روند ارتجاعی و ضد طغی و ضد دموکراتیک را محکوم می کنند. مراسم عزای چهارمین روز شهادت مبارزان آزادی قم، میدان ضامی بود تا باروت این احساسات انباشته شده در دلها، منفجر شود. و چنین شد. جمعی از شخصیت های آزادیخواه و علمای مذهبی تبریز از چند روز قبل طی اعلامیه هایی، روز شنبه ۲۹ بهمن ماه را روز عزای عمومی اعلام کرده بودند. این پاسخ خاموش و کوبیای خلق به جلا بود، چراکه نظیر چنین اعلامیه هایی در اکثر شهرهای ایران پخش شد و از صبح دیروز تظاهرات اعتراضی و نمایشات محکوم کننده توده ها بایسته شدن بازارها و دکاکیمن در بسیاری از شهرها و به راه افتادن سبلی از منت های کسره کرده و جبره های برافروخته و روز مجو در بر تو شعله های هیجان انگیز شعارهای آزادی، خیابانها را فرا گرفت.

تبریز با طلوع آفتاب، به پیشباز طلوع قیام رفت. زن و مرد، پسر و جوان حتی کودکان در خیابانها سرازیر شدند. موج های هم پیوسته و سیلاب ها به رودهای خروشان ریختند که معا بر سر را در می نوریدید و در رگهای شهر با سیلان و تلاطم پیوسته می رفت.

خبر نگاران "نویسد" که در میان این سیل به هیجان در آمده عزاداران و عاصیان استبداد بودند، گزارش داده اند:

— نخست هزاران نفر بودند، ساعت ۹ صبح به دهها هزار تن سر زدند، و ساعتی بعد این جنگ روینده انسانی به تمام شهر سایه انداخت، شکوه قیام و نبود...

خبرنگاران "نویسد" که دوش به دوش مردم در جهاد خونین و دهشتناک آنان طی بیش از ۱۰ ساعت ستمز جانانه با تفنگ ها و سپس تانکها و مسلسل ها شرکت داشتند، لحظات حماسه وار این روز تاریخی را که سرانجام به مرثیه ای قهرمانی بدل شد، ثبت کرده اند. آنها می نویسند:

— شمارها تند و آتشین بود و اکثر آنها بر دیکتاتور و دیکتاتوری می تاخت. مردم مجازات قاتلان شهیدای قم را می خواستند، آزادی زندانیان سیاسی را آوازی دادند و بازگشت آیت الله خمینی را به شاه سیل مبارزه حومی فدا ب مرفق با دار و دسته استبدادی می طلبیدند. پلیس به خاطر

دیروز رژیم شاه خون شهیدای قم را با خون شهیدای تبریز شست. دیروز یک بار دیکر دولت مدعی مشروطه، فرزندان ستارخان و باقر خان و علی صیو و حیدر عموغلی را در طلب سنگر مشروطیت ایران به خاک و خون کشاند. دیروز کوجه ها و خیابانها و میدان شهر قهرمان تبریز، میدان جنگ تن به تن مردم بانانک ها و مسلسل ها بود و شعارهای آزادی چون دشتی از شقایق و گل سرخ، در توفان عزم و صیانت مردم که شهساز قهرمان را برانگیخته بود، شکست و پر بر شد.

قتل عام بی شرمانه ده ها تن از مردم آزادیخواه تبریز، درست چهل روز پس از حمام خونی که در خمین حکومتی در قم برپا کردند، نشان داد که بین خلق های ما و رژیم از رک و ریشه فاصله ای که بختک وار به روی صحن ما افتاده، جز گور هزاران شهید و سلسله جبال از خشم و خصومت و ستیز، هیچ رشته و پیوندی وجود ندارد. چنین رژیمی که عروسک وار سرخ های اراده اش به انگشت های امیر بالیسر جهانخواه بسته است، مدتهاست که مشروعبیت خود را از دست داده و یا خالی شدن از محتوای مشروطیت و ضدیت عریبان با موازین و اصول آن، و قانونیت خویش را نیز حتی در محدوده تنگ طبقاتی خود از دست داده است.

قتل عام بی بند و بار و بی مسئولیت تبریز یک بار دیگر ابعاد وحشت انگیز خصلت ضد مردمی و درنده خوبی بی حد و موزرژیم شاه — ساواک را به روشنی بر ملا کرد و نشان داد که اگر نیازهای هستی گرم خورده دار و دسته دیکتاتور اقتضاکند، کشتارده ها آزادیخواه بی دفاع در تبریز می توانند تا کشتارده ها هزار و حتی فراتر از آن، تا ایجاد کورستانهای عمومی در پهنای سرزمین زیر صهیژ ما امتداد یابد.

فاجعه به خون و حماسه آمیخته و آموزنده تبریز، از صبح دیروز با تظاهرات عمومی مردم در اماکن و مساجد و معا بر عمومی آغاز شد. این تظاهرات آمیزه ای از سوگواری برای شهیدای قم و اعتراض به شرایط اختناق و استبدادی حاکم بر ایران بود. توده ها که از خود سری های لگام کشیده و فساد و گندیدگی درونی رژیم و وابستگی های روز افزون نظامی، اقتصادی و سیاسی آن به امپریالیسم جهانی و غارت بی رویه و حیث و میل فزاینده ثروت های ملی که از این رهگذر بر کشور ما تحصیل میشود و نیز به بر باد رفتن استقلال کشور در تهاجم سیاسی واشنگتن و

صلحانه گزیده های شاه مناسب کرده بودند ، در میدان دانشسرای تبریز محسه ضحاک زمانه را سنگسار کردند و از آن پس تا پاسی از شب گذشته ، علی رغم حکو مستغلامی ، در کوچه ها و خیابانها به مقاومت و مبارزه ادامه دادند

صد ها هزار طلب دبشب در تبریز اشک را در خشم و خشم را در عزم دلیر مبارزه بی شکلی که تازه آغاز شده ، و در جست و جوی شکل موثر و مطلوب خویش است ، پو شانند .

از عصر در روز حکومت نظامی با قهر و خشمونی بی سابقه ای شهروان در پیشگاه های خویش خود می نشیند . هر کس که در معابر ظاهر می شود ، تعقیب می گردد . بسیاری از محصلین هنوز در مدرسه خود به صورت زندانی ماند می روند . تبریز در شب یک شهر اشغال شده بود تعصیب آمدن و تلفات بسیار سنگین نبود در روز هوزد شواراست ، اما تا صبح امر مرد هاتن از شخصیت ها و مبارزان تبریز باز داشت شدند . جنایات تکان دهنده تبریز ادامه طبیعی جنایت هولناک قم بود .

این زخم های گرامی که بر سنگرش کوچه ها و اسفالت خیابانهای تبریز و قم ریخت ، حقیقت زنده بودن و تسخیر ناپذیری خلق محنت کشیده و سلحشور ماست ، خلقی که هر بار ضحاک می افتد ، از میان خاکسترو رنج و خون خود نیرومند تر و معتقد تر به پای می خیزد . اما این خون های عزیز ، در خود به راهی رانفته دارند که مارا به یگانگی می خوانند فاجعه قتل ، سندر سوانی ابدی جلالت تاجدار است که می خواهد از سپهر ما گورستان و از ایمان خلقی ما حمام خون بر پاکند تا بر سکوت و مرگ فرمانروایی بلا شایمی داشته باشد . اما این فاجعه در همین حال نقش حیاتی و اجتناب ناپذیر سازمانهای سیاسی و تشکل های صنفی زادر مقابل و مبارزه جدی با ارکانهای انجم یافته دولتی آشکار می کند . بر آنکدی ما ، پیشخوانه و استمرار جهنم آرمابصری است ، اما تشکل و جوش خوردن مادر حزنها و گروهها و سازمانهای سیاسی ، صنفی و طبقاتی خویش و آنگاه پیوند فلز آسای این ارکان

تفاوت با تشکل الصانع که در شرایط موجود آرمان و احلاان هارابه هم کرده می زند ، تشبیه اشارت آزادی و ضمانت رستگاری ملی است . ما صرف نظر از آراء و عقاید و مسلک های خود ، خاکسترو نشین یک دوزخیم ، در یک شکنجه گاه سلاخی می شویم ، در یک زندان زیر فشار و بیورش و تحمیلیم ، بایک تفنگ در کوچه ها و خیابان های صحن خود به خون می غلتیم . آیا این سر نوشت واحد ، میرم بودن و قاطعیت و تحکم یکی شدن ملت های خلقی ما و توانا کردن این ملت شکست ناپذیر در این یگانگی ، تا کید نمی کند ؟ تا وقتی به این فرسود در دنیاکی که تمام ذرات جامعه ما آنرا آوازی دهد ، پاسخی مطلوب ندیم ، خون های پاکسی که در آسمان آزادی در قلم و تیر سبز به خاک ریخت ، همچنان خاک صحن ما را با لاله های دلفردار خواهد پوشاند

انبوهی تظاهر کنندگان بی پروا در در قایق نخستین ، حیرات هجوم به آنها راند است ، اما پس از آن که کامیون های لیویز از پلیس به اصطلاح ضد انتشار شاور گراهای تربیت شده اونیفورم پوش سر رسیدند ، حمله به تظاهر کنندگان آغاز شد . همین که صدای گلوله هادر شهر طنین انداخت ، هزاران تن از مردم با چوب و جناق و سنگ به حمله مقابل دست زدند . در خیابان کورش ، چهار راه شهنواز ، خیابان پهلوی ، خیابان دانشسرا جمعیت با قزاقان مسلح شاه به هم گره خوردند ، چوب در برابر گلوله هشت در برابر مسلسل . . . و سرانجام پلیس رو به هر یک گذشت . تظاهر کنندگان خشکین کامیون های پلیس را آتش زدند ، موتور سیکلت های پلیس را آتش زدند ، فرارگاههای پلیس را هفتابی را آتش زدند ، حزب رستاخیز را ، این لانه موشها و خفاشها را آتش زدند ، اماکن ساختمانهای پلیس و تظاهر نظام آرمابصری و ستم را درهم کوبیدند و شیشه های آنها را خسور کردند . . . و ناگهان شعله های سرکش دو دو آتش از همه جا زیانه کشید . این حریق خشم خلق بود ، خشمی که وقتی لیویز می شود ، جبهه بسا به شور و شینجهاد . . .

با فرار پلیس ، کامیونها و تانکهای ارتش به شهر طغیان کرده حمله ور شدند . دانشجویان و بازاربان تبریز پیشاپیش صفوف مردم قرار گرفتند . خون خیابانها را فرش کرد ، در اولین یورش گراز های حکومتی دها جسد روی زمین افتاد ، اما در بسیاری از نقاط مردم از برابر جوخه های مسلح و تانک ها و مسلسل ها نگرینتند ، با چوب دستی و مشت به تانکها ناخندند ، نیروی مشت بود با تانک و گوشت و استخوان با آهن و باروت ، اما خون ها گل می کردند و کلهای عطر دلیری می افشانند و خلق خروشان با شمارهای آتشین به استقبال مرگ می رفت :

... آزادی یا مرگ . . .

این پاسخ به آرمابصر بود ، پاسخ توده ها به حزب سوسیالیست آن چنانی بود ، پاسخ حقیقت به نمایشات مهوع و صحنه سازبهای دلفردار بوزینه های حکومتی بود .

در محبوه هجوم و مقاومت ، هلی کوپترهای نظامی و هواپیما های شکاری و بمب افکن برای مرعوب کردن طغیان تبریز بوفروا شهر به حرکت در آمدند . پول نفت بود که به مدد مدعیان بیاوه گوی حقوقی بشر به صورت گابوس و مرگ ، مردم بی دفاع را به نابودی مطلق و یکپارچه تهدید می نمود :

جنگتن به تن مردم با ارتش مهاجم که گویی به تسخیر شهر دشمن آمده بود پیش از ده ساعت به صورت فشرده و پراکنده ادامه داشت . و از ساعت سه بعد از ظهر تانک ها و مسلسل های سنگین در مواضع حساس تبریز مستقر شدند . از عصر لشکر تبریز برای سرکوب طغیان مردم که از بعد از ظهر از حالت جمعی به صورت پراکنده و موضعی تسخیر شکل داده بود ، از یاد دانهای هجرت شیر و مرند یاری خواست . مردم که تا کنیک مبارزه خود را با دخالت ارتش و هجوم

در راه ایجاد جبهه ضد دیکتاتوری بکوشیم !